




An Analysis of Ayatollah Khamenei's Discourse Construction for Consolidating Iranian National Identity in Confrontation with Western Cultural Colonialism

Mehran Karimi Sadat Mahalleh

Master's Degree in the History of Shi'ism, Payame Noor University, Tehran, Iran.


mehran.karimi2@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Azadeh Mohebi Ashani

Master's Degree in Sociology, Alzahra University, Tehran, Iran.

a.mohebi217@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Abstract

The objective of this research is to analyze discourse construction as a highly central component of Ayatollah Khamenei's leadership and managerial style, and to examine how such discursive formations contribute to consolidating Iranian national identity within the sphere of nation-building, thereby confronting Western cultural colonialism. The research adopts a qualitative approach, utilizing the method of qualitative content analysis. The research corpus comprises the entirety of Ayatollah Khamenei's statements from 2001 to 2025. The findings indicate that his discourse construction, centered upon strengthening "Iranian-Islamic identity," operates across several domains: the Persian language; historical memory; national self-confidence; indigenous progress; education and upbringing; and national production. These discursive initiatives include: reinforcing the authority and centrality of the Persian language and safeguarding it as a national cultural asset against the infiltration of foreign languages; rearticulating the historical identity of the Iranian nation; demanding the preservation and transmission of historical heritage to younger generations and confronting historical distortion by adversaries; strengthening national self-confidence and the ethos of "we can," in opposition to the inculcation of inferiority by colonial West; promoting indigenous progress based on an Iranian-Islamic model rather than a Western development paradigm; cultivating identity-oriented education among the younger generation and resisting Western cultural penetration within educational institutions; and supporting national production while countering brand-oriented Western consumer culture and encouraging consumption of domestic goods.


Keywords: Ayatollah Khamenei; National identity; Discourse construction; Cultural colonialism; Qualitative content analysis.

مقاله پژوهشی**تحلیل گفتمان‌سازی‌های آیت‌الله خامنه‌ای برای تحکیم هویت ملی ایرانیان در مقابله با استعمار فرهنگی غرب**

مهرا ن کریمی سادات محله

کارشناسی ارشد، تاریخ تشیع، پیام نور تهران، ایران (نویسنده مسئول).

mehran.karimi2@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

آزاده محبی اشنی

کارشناسی ارشد، جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

a.mohebi217@gmail.com

 0000-0000-0000-0000چکیده:

هدف پژوهش حاضر، تحلیل گفتمان‌سازی به‌عنوان مؤلفه‌ای بسیار کلیدی در سبک رهبری و مدیریت آیت‌الله خامنه‌ای است و بررسی می‌کند که این گفتمان‌سازی‌ها چگونه به تحکیم هویت ملی ایرانیان در عرصه‌های جامعه‌سازی کمک می‌کنند و موجب مقابله با استعمار فرهنگی غرب می‌شوند. این پژوهش با رویکرد کیفی و به روش «تحلیل محتوای کیفی» انجام شده است. جامعه پژوهش شامل مجموعه بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۴ است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گفتمان‌سازی‌های آیت‌الله خامنه‌ای با محوریت تحکیم «هویت ایرانی - اسلامی»، در عرصه‌های زبان فارسی، حافظه تاریخی، اعتمادبه‌نفس ملی، پیشرفت، تعلیم و تربیت و تولید ملی شامل گفتمان‌سازی‌های تقویت و مرجعیت زبان فارسی و پاسداری از آن به‌عنوان سرمایه فرهنگی ملی در مقابل نفوذ زبان‌های بیگانه، بازخوانی هویت تاریخی ملت ایران، مطالبه ثبت و انتقال میراث تاریخی کشور به نسل جوان و مقابله با تحریف تاریخ ایران از سوی دشمن، تقویت اعتمادبه‌نفس ملی و روحیه‌ی ما می‌توانیم و مقابله با تزریق خودکم‌بینی توسط غرب استعماری، پیشرفت بومی بر مبنای الگوی ایرانی - اسلامی و مقابله با الگوی توسعه غربی، تربیت و آموزش نسل جوان هویت‌گرا و مقابله با نفوذ فرهنگی غرب در تعلیم و تربیت کشور و حمایت از تولید ملی، مقابله با فرهنگ مصرف‌برندمحور غربی و ترویج مصرف کالای ایرانی است.

واژگان اصلی: آیت‌الله خامنه‌ای، هویت ملی، گفتمان‌سازی، استعمار فرهنگی، تحلیل محتوای کیفی.

دسترسی به مقالات نشریه علمی مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی



Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0

Doi: 10.22034/irsj.2025.503840.1105

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه و چارچوب نظری

هویت یکی از اصلی‌ترین موضوعات در نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای است. اهمیت، عمق و بسامد بالای توجه به موضوع هویت ایرانی - اسلامی با رویکرد استقلال در مقابل تمدن مادی غرب در اندیشه‌ی ایشان تا آنجاست که می‌توان آیت‌الله خامنه‌ای را متفکر و رهبری «هویت‌اندیش و هویت‌گرا» نامید. این هویت‌گرایی و ایجاد تمایز با فرهنگ و تمدن مادی صرفاً در لایه‌ی نظری - معرفتی - تئوریک مورد توجه ایشان نیست بلکه از همان درس‌های طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تا جدیدترین مواضع ایشان، می‌توان رد این نگاه را در جنبه‌های عملی جامعه‌پردازانه و تمدن‌ساز ایشان دنبال کرد. ایشان در طول دوران رهبری نیز تحکیم و تقویت و عمق‌بخشی به هویت ایرانی - اسلامی را به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین رویکردهای رهبری و حکمرانی خویش قرار داده‌اند. موضوع مهم اینکه این موضوع در نگاه ایشان فقط به عرصه‌ی فرهنگ و مناسبات ذهنی و بخشی از وجوه جامعه‌تقلیل پیدا نمی‌کند بلکه با نگاهی موسع و جامع تحکیم هویت ملی که شامل درهم‌آمیختگی ریشه‌دار و عمیق با فرهنگ اسلامی است را در عرصه‌های مختلف ساخت دولت اسلامی و شکل‌دهی به جامعه‌ی اسلامی مطلوب دنبال کرده‌اند.

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، هویت جمعی زیربنای پیشرفت ملت‌هاست و بدون آن، بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌ها ممکن نبوده و جامعه دچار مشکلات و عقب‌ماندگی می‌شود: هر مجموعه‌ی انسانی به یک هویت جمعی احتیاج دارد و باید احساس اجتماع و بستگی و هویت جمعی کند. در کشورهای دنیا معمولاً روی مفهوم ملیت تکیه می‌کنند. بعضی جاها هم روی قومیت تکیه می‌کنند. ملیت چیست؟ یک هویت جمعی است که با برخورداری از آن، هر کشور می‌تواند از همه امکانات خود برای پیشرفت و موفقیت استفاده کند. اگر این احساس هویت جمعی وجود نداشته باشد، بسیاری از مشکلات برای آن مجموعه پیش می‌آید و بسیاری از موفقیت‌ها برای آن‌ها حاصل نخواهد شد؛ یعنی پاره‌ای از موفقیت‌ها در یک کشور، جز با احساس هویت جمعی به دست نخواهد آمد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۰/۰۸/۱۲).

فراموشی هویت ملی نیز از نظر ایشان، امری بسیار زیان‌آور است که وجود آن در ادبیات سیاسی یک کشور، موجب تحقیر و ذلت مردم آن ملت می‌گردد: «در ادبیات سیاسی، خود فراموشی به معنای فراموش کردن هویت خود، چیز خیلی بدی است - قوم و ملتی هویت و تاریخ و فرهنگ و زبان خود را فراموش کنند که نتیجه‌ی آن، ذلت و بدبختی این قوم خواهد بود» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۰/۰۹/۲۱). به‌طوری‌که ایشان این فراموشی را زمینه‌ساز پذیرش آسان سلطه بیگانگان می‌دانند:

اگر یک ملت را از تاریخش، از گذشته‌اش، از فرهنگش، از شخصیتش، از مفاخر علمی و دینی و سیاسی و فرهنگی‌اش جدا کردند و از یادش بردند - زبانش را از او گرفتند، الفبایش را از او گرفتند، کتابش را از او گرفتند، سابقه فرهنگی‌اش را از او گرفتند - این ملت آماده خواهد شد که هر چه می‌خواهند بر سرش بیاورند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۹/۰۸/۲۴).

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای «هویت‌زدایی» نه‌تنها به تحقیر گذشته و دستاوردهای یک ملت می‌انجامد؛ بلکه زمینه را برای جایگزینی فرهنگ و منظومه‌ی فکری غرب به جای فرهنگ بومی فراهم می‌کند:

هویت‌زدایی یعنی این: مبانی اندیشه‌ای و رویکردهای تاریخی و ملی یک کشور تحقیر بشود، گذشته‌ی یک کشور تحقیر بشود، گذشته‌ی انقلاب تحقیر بشود، کارهای بزرگی که انجام گرفته کوچک‌نمایی بشود؛ و البته عیوبی وجود دارد و این عیوب هم ده برابر بزرگ‌نمایی بشود؛ هویت‌زدایی یعنی این. آن وقت به‌جای این هویت، منظومه‌ی فکری غرب جایگزین بشود که یک نمونه‌اش همین سند ۲۰۳۰ آمریکایی‌ها است که این، مظهر سلطه‌ی نواستعماری غربی در زمان ما است؛ یعنی یکی از نمونه‌هایش این است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۱/۰۲/۰۶).

بنابراین از دیدگاه ایشان حفظ و تکمیل هویت ملی، امری ضروری برای تضمین استقلال، عزت و پیشرفت هر جامعه‌ای است.

هرچند پژوهش‌هایی درباره مفهوم هویت ملی، مؤلفه‌های آن و راهکارهای مقابله با استعمار فرهنگی غرب انجام شده، اما پژوهشی که به چگونگی گفتمان‌سازی‌های آیت‌الله

خامنه‌ای در این عرصه توجه کرده باشد، وجود ندارد. همین خلأ علمی، ضرورت پژوهش حاضر را روشن می‌کند. این مطالعه نه تنها می‌تواند شناخت جامع‌تری از دیدگاه ایشان درباره هویت ملی و مؤلفه‌های آن، استعمار فرهنگی غرب و گفتمان‌سازی به‌عنوان یکی از سازوکارهای سبک مدیریت کلان ارزشی ایشان ارائه دهد، بلکه می‌تواند راهنمایی نظری و عملی برای سیاست‌گذاران، نهادها و فعالان فرهنگی و رسانه‌ای و آموزشی کشور برای تحکیم هویت ملی و مقابله با استعمار فرهنگی غرب باشد.

لذا هدف پژوهش حاضر تحلیل گفتمان‌سازی‌های آیت‌الله خامنه‌ای و نقش آن در تحکیم هویت ملی ایرانیان و مقابله با استعمار فرهنگی غرب با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی بر پایه بیانات ایشان است. سؤال اصلی این مقاله آن است که «گفتمان‌سازی‌های آیت‌الله خامنه‌ای چگونه منجر به تحکیم هویت ملی ایرانیان و مقابله با استعمار فرهنگی غرب می‌شود؟» برای پاسخ به این سؤال نیاز داریم که ابتدا به سؤالات فرعی زیر پاسخ دهیم:

۱. در عرصه‌های مختلف اداره‌ی جامعه چه نمونه‌هایی از گفتمان‌سازی‌های آیت‌الله خامنه‌ای حول تحکیم هویت ملی ایرانیان وجود دارد؟

۲. این گفتمان‌سازی‌ها چگونه به تحکیم مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان و مقابله با استعمار فرهنگی غرب کمک می‌کنند؟

در پژوهش‌های کیفی نظریه‌ها اساس پژوهش قرار نمی‌گیرند بلکه به‌عنوان پشتوانه مطالعات اکتشافی به کار می‌روند. اما با توجه به اینکه در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای و پژوهش‌های پیشین مرتبط با موضوع مقاله، چارچوب نظری مشخصی برای تحلیل عرصه‌های گفتمان‌سازی ایشان برای تحکیم هویت ملی ایرانیان و مقابله با استعمار فرهنگی غرب وجود ندارد، این پژوهش به دنبال پر کردن این خلأ و ارائه چارچوبی علمی و منسجم در این زمینه است. گفتمان‌سازی در واقع سازوکار کلیدی سبک و شیوه‌ی رهبری و مدیریت کلان آیت‌الله خامنه‌ای در راهبری جامعه و نظام اسلامی است که عمدتاً در سخنرانی‌های ایشان تبلور پیدا می‌کند.

لذا در این پژوهش با مشورت با متخصصان این حوزه و با توجه به سه معیار «تکرار و تأکید در بیانات»، «نقش محوری در تحکیم هویت ملی ایرانیان» و «ارتباط مستقیم با مقابله با استعمار فرهنگی غرب»، شش عرصه «زبان فارسی»، «حافظه تاریخی»، «اعتماد به نفس ملی»، «پیشرفت»، «تولید ملی» و «تعلیم و تربیت» به عنوان چارچوب نظری در نظر گرفته شده است. بدین ترتیب، علاوه بر معرفی مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، به تحلیل عرصه‌هایی پرداخته می‌شود که ایشان با استفاده از سازوکار گفتمان‌سازی با سخنرانی‌های خویش، به تحکیم مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان و تحکیم هویت ایرانی - اسلامی در جامعه پرداخته‌اند.



شکل ۱: عرصه‌های گفتمان‌سازی آیت‌الله خامنه‌ای برای تحکیم هویت ملی ایرانیان و مقابله با استعمار فرهنگی غرب

۱. پیشینه پژوهش

در رابطه با مسئله پژوهش، تحقیقاتی که گفتمان‌سازی‌های آیت‌الله خامنه‌ای برای تحکیم هویت ملی ایرانیان را بررسی کرده باشد، وجود ندارد. با این وجود در ادامه سعی خواهد شد به معرفی مرتبط‌ترین پژوهش‌های مورد بررسی در این زمینه پرداخته شود. برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در جدول شماره (۱) ذکر شده است.

<p>واکاوی گفتمان هویت ملی در منظومه فکری رهبری (موسوی و همکاران، ۱۴۰۱)</p>	<p>عنوان</p>	
<p>بررسی هویت ملی از دیدگاه مقام معظم رهبری</p>	<p>هدف یا سؤال اصلی</p>	
<p>از نظر ایشان اسلام یک دال برتر قدرتمند در فضای سیاسی-اجتماعی- فرهنگی کشور است. از دیدگاه ایشان که نگاه مذهبی و فراملی به مسائل سیاسی-اجتماعی- فرهنگی، از جمله هویت ملی، دارند، اسلام دال برتر و انسجام بخش گفتمان هویت ملی ایرانی- اسلامی است که سایر دال‌ها یا عناصر متنوع هویت ملی را در کنار هم مفصل‌بندی کرده و با ایجاد یک منظومه معنایی خاص می‌تواند باعث قوام و پایداری هویت ملی ایرانی- اسلامی بشود.</p>	<p>یافته‌ها</p>	
<p>نقش رهبری نظام در کارآمدی دیپلماسی عمومی از طریق گفتمان سازی (ارجینی و همکاران، ۱۴۰۰)</p>	<p>عنوان</p>	
<p>بررسی نقش امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در کارآمدی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران از طریق گفتمان‌سازی</p>	<p>هدف یا سؤال اصلی</p>	
<p>رهبری نظام با توجه به جایگاه خود در ساختار سیاسی - حقوقی کشور به‌عنوان یک منبع مستقل و بی‌بدیل، نقش مؤثر و سازنده‌ای در ایجاد و هویت‌بخشی به ادبیات گفتمانی انقلاب اسلامی در عرصه سیاست خارجی و دیپلماسی عمومی ایران داشته است. چنانچه با بیان اهداف، آرمان‌ها و مسئولیت‌های فراملی نظام جمهوری اسلامی ایران، به غیریت‌سازی از سایر گفتمان‌ها در عرصه جهانی تلاش شده است.</p>	<p>یافته‌ها</p>	
<p>چیستی و چرایی نفوذ فرهنگی نظام سلطه و راهکارهای مقابله با آن با تأکید بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری (حسینی نژاد و همکاران، ۱۳۹۹)</p>	<p>عنوان</p>	
<p>نفوذ فرهنگی نظام سلطه چیست و راهکارهای مقابله با آن چگونه است؟</p>	<p>هدف یا سؤال اصلی</p>	
<p>نگارنده با توجه به رهنمودهای مقام معظم رهبری، پس از تبیین ماهیت نفوذ فرهنگی، به بررسی ابعاد نفوذ که شامل سه عرصه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است، می‌پردازد و پس از بیان شیوه‌ها و ابزارهای نفوذ فرهنگی راهکارهای آن را در دو محور مورد بررسی قرار می‌دهد. در محور اول راهکارهای فرهنگی در حوزه معرفتی - شناختی و در محور دوم</p>	<p>یافته‌ها</p>	

		راهکارهای فرهنگی در حوزه رفتاری بررسی می‌شود.
	عنوان	معیار و شاخص‌های «نقش‌آفرینان در گفتمان‌سازی فرهنگ انقلاب اسلامی» در دانشگاه‌ها از منظر آیت‌الله خامنه‌ای (وفایان، ۱۳۹۹)
	هدف یا سؤال اصلی	شناسایی و استخراج معیار و شاخص‌های «نقش‌آفرینان در گفتمان‌سازی فرهنگ انقلاب اسلامی» در دامنه دانشگاه بر اساس نظرات آیت‌الله خامنه‌ای
	یافته‌ها	استخراج ۱۱۲ مضمون پایه به‌عنوان شاخص و معیار در قالب دو مضمون سازمان‌دهنده «شاخص‌های فعالیت‌های فرهنگی گفتمان‌ساز» و «فاعلان و گفتمان‌سازان فرهنگی» که هر یک با توجه به مخاطبانی همچون: اساتید، روحانیان نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه و دانشجویان، دسته‌بندی و الگویی کلان در پاسخ به این مسئله ترسیم و ارائه شد.
	عنوان	نفوذ فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، چالش‌ها و راهکارهای مقابله با آن از دیدگاه مقام معظم رهبری (۱۳۶۸-۱۳۹۷) (زرگر و همکاران، ۱۳۹۹)
	هدف یا سؤال اصلی	بررسی موضوع نفوذ فرهنگی در آرای مقام معظم رهبری و راهکارهای ایشان
	یافته‌ها	در زمینه راهکارها نتایج شامل تعمیق مبانی فکری و بازدارندگی اعتقادی، حضور فعال در فضای مجازی، تقویت فرهنگ ملی و تدوین نقشه پیشرفت ایرانی - اسلامی، احساس مسئولیت برای ایجاد تمدن نوین اسلامی، شناخت لوازم و موانع فعالیت‌های فرهنگی در کشور و تقویت بصیرت خواص است.
	عنوان	راه‌های مقابله بانفوذ فکری و فرهنگی در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) (خانجانی، ۱۳۹۷)
	هدف یا سؤال اصلی	شناسایی نفوذ فکری و فرهنگی و راه‌های مقابله با آن در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی)
	یافته‌ها	مهم‌ترین خطر نفوذ فکری و فرهنگی، بی‌هویتی، سکولاریزه شدن، سیطره و تسلط فرهنگ غربی و استحاله است. هوشیاری و عدم غفلت از دشمنی دشمن، باور به نفوذ و تهاجم فرهنگی، مدیریت فرهنگ بر مبنای شعارهای انقلاب و مبانی انقلاب و مقابله با استحاله ازجمله این راه‌هاست.
	عنوان	استعمار فرانو؛ با نگاهی به بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

(ارجینی، ۱۳۸۹)	۰
بررسی استعمار فرانو در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای	هدف یا سؤال اصلی
آیت‌الله خامنه‌ای با تبیین استعمار فرانو مهم‌ترین شبهه آن را تهاجم فرهنگی رسانه‌ای می‌داند که با توجه به سیطره استعمارگران بر رسانه و خبرگزاری‌های بزرگ جهانی صورت می‌پذیرد که مهم‌ترین راهکار برون‌رفت از آن، بیداری اسلامی است.	یافته‌ها

بنابراین اگرچه در گستره هویت ملی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای مقالات متعددی نگاشته شده است اما در اغلب آن‌ها فقط به مفهوم و مؤلفه‌های هویت ملی توجه شده است. در زمینه گفتمان‌سازی نیز مقالات اندکی نوشته شده که در برخی به الگوی گفتمان‌سازی آیت‌الله خامنه‌ای و در برخی دیگر نیز به نقش‌آفرینان آن توجه شده است، اما در هیچ‌یک از آن‌ها به بررسی مستقیم گفتمان‌سازی‌های آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته نشده است. همچنین در حوزه مقابله با استعمار فرهنگی غرب نیز مقالاتی نگاشته شده که در آن‌ها راهکارهایی برای مقابله با این نوع استعمار از دیدگاه ایشان بررسی شده است. باین‌حال، در تمامی این پژوهش‌ها تاکنون نکات اساسی مدنظر تحقیق حاضر یعنی تحلیل گفتمان‌سازی‌های آیت‌الله خامنه‌ای برای تحکیم و تقویت هویت ملی ایرانیان در جهت مقابله با استعمار فرهنگی غرب مورد توجه و پژوهش قرار نگرفته است؛ لذا پژوهش حاضر در پی آن است که نشان دهد آیت‌الله خامنه‌ای علاوه بر تبیین و تحکیم مؤلفه‌های هویت ملی در عرصه‌ی افکار عمومی، به دنبال عینیت بخشیدن به این مؤلفه‌ها در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه نیز هستند. برای این منظور، آیت‌الله خامنه‌ای گفتمان‌سازی مؤلفه‌های گوناگون هویت‌بخش به جامعه‌ی ایران در عرصه‌های گوناگون را در بیانات خود دنبال می‌کند. از این‌رو به نظر می‌رسد مسئله، زاویه نگاه و یافته‌های این پژوهش برای اولین بار در فضای علمی و تحقیقاتی کشور مطرح می‌شود.

۲. مفاهیم نظری

۲-۱. مفهوم‌شناسی گفتمان

مفهوم گفتمان و فرایند شکل‌گیری گفتمان‌سازی، از جمله پرسش‌هایی هستند که نمی‌توان برای آن‌ها پاسخی دقیق و یگانه یافت. برداشت‌ها و تعاریف گوناگون از گفتمان، همراه با تنوع، پیچیدگی و ابهام در سطح نظری و عملی، این پدیده را به موضوعی چندلایه و محل بحث و اختلاف‌نظر تبدیل کرده؛ لذا تعاریف مختلفی برای گفتمان ارائه شده است؛ اما در بسیاری از موارد منظور از گفتمان این است که زبان در چارچوب قالب‌هایی ساختاربنده شده است و مردم به هنگام مشارکت در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی در گفتار خود از این قالب‌ها تبعیت می‌کنند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۶: ۱۷).

میشل فوکو که گفتمان از محوری‌ترین مفاهیم اندیشه اوست، در ضمن طرح دو برداشت دیرینه‌شناسی و تبارشناسی نظریه‌ی گفتمان را از دیرینه‌شناسی استخراج کرد. او گفتمان را «ترکیبی از گفتار و نوشتار می‌داند و تلاش می‌کند آن را جایگزین ایدئولوژی کند تا دیگر به ایدئولوژی نیازی نداشته باشد» (تاجیک، ۱۳۸۵: ۲۶۲).

گفتمان از دیدگاه مک دانل، پدیده یا جریان اجتماعی است؛ به تعبیر بهتر گفتمان جریان و بستری است که دارای زمینه اجتماعی است اظهارات و مطالب بیان شده گزاره‌ها و قضایای مطرح شده کلمات و عبارات مورداستفاده و معانی آن‌ها جملگی بستگی به این نکته دارد که مطالب بیان شده، گزاره‌های مطرح شده، قضایای مفروض کی کجا چگونه، توسط چه کسی له یا علیه چه چیزی یا چه کسی صورت گرفته است. مک دانل معتقد است گفتمان‌ها با توجه به انواع نهادها و کاربست‌های اجتماعی مختلفی که در آن شکل می‌گیرند و نیز با توجه به موقعیت اجتماعی و جایگاه افرادی که صحبت می‌کنند یا می‌نویسند و کسانی که مخاطب آن‌ها هستند، فرق می‌کنند (مک دانل، ۱۳۸۰: ۵۶).

نکته‌ی قابل توجه در بررسی نظریات گفتمان در میان اهالی علوم اجتماعی معاصر، فقدان اهتمام کافی به مسئله‌ی «گفتمان‌سازی» در حوزه‌های مختلف اجتماعی است. تمرکز اصلی این اندیشمندان، عمدتاً بر تحلیل ساختارهای گفتمانی و بنیان‌های مفهومی یا جامعه‌شناختی آن‌ها بوده است، در حالی که کمتر به ارائه راهکارهای عملی برای تولید یا

تحول گفتمان‌های خاص در فضای اجتماعی پرداخته‌اند. این در حالی است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، فراتر از پرداختن به چارچوب‌های نظری گفتمان، به شیوه‌های عینی و راهبردهای عملی در زمینه‌ی ایجاد و گسترش گفتمان‌های مختلف در نظام جمهوری اسلامی تمرکز داشته و بر نقش فعال گروه‌های مرجع و نهادهای فرهنگی و سیاسی در این فرایند تأکید کرده‌اند (وفاییان، ۵: ۱۳۹۹).

در نگاه و ادبیات آیت‌الله خامنه‌ای توجه به مفهوم گفتمان و گفتمان‌سازی، ضمن آنکه شباهت‌ها و اشتراک‌هایی با ریشه‌های این مفهوم در سه رشته‌ی زبان‌شناسی، فلسفه و جامعه‌شناسی (به‌خصوص جامعه‌شناسی) را نشان می‌دهد، ضمناً معنایی مستقل دارد و لزوماً در همان چهارچوب‌ها قرار نمی‌گیرد (غفاری، ۲۴۱: ۱۳۹۵).

آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات متعدد خود «گفتمان» را با تعابیر گوناگونی تعریف کرده‌اند: «گفتمان یعنی باور عمومی؛ یعنی آن چیزی که به‌صورت یک سخن مورد قبول عموم تلقی بشود مردم به آن توجه داشته باشند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۲/۱۲/۱۵)، «گفتمان یعنی یک مفهوم و یک معرفت همه‌گیر بشود در برهه‌ای از زمان در یک جامعه» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۸/۰۹/۲۲)، «گفتمان یعنی آن فکر رایج بین مردم، مطالبه‌ی عمومی مردم» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۶/۰۶/۳۰) و «گفتمان یک جامعه مثل هواست، همه تنفسش می‌کنند؛ چه بدانند، چه ندانند؛ چه بخوانند، چه نخوانند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین کارکرد گفتمان‌سازی و پیامدهای آن، بر رشد اندیشه‌ای مخاطبان گفتمان‌سازی و نیز زمینه‌سازی برای تحقق عملی معرفت به دست آمده تأکید می‌کند:

این گفتمان‌سازی برای چیست؟ برای این است که اندیشه‌ی دینی، معرفت دینی در مخاطبان، در مردم، رشد پیدا کند. اندیشه‌ی دینی که رشد پیدا کرد، وقتی همراه با احساس مسئولیت باشد و تعهد باشد، عمل به وجود می‌آورد و همان چیزی می‌شود که پیغمبران دنبال آن بودند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۲/۱۲/۱۵).

«وقتی یک موضوعی گفتمان شد در داخل کشور و به‌صورت یک موضوع تفاهم عرفی عمومی درآمد، به‌طور طبیعی جریان پیدا می‌کند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۱/۰۲/۰۶).

«آن وقت همه به این فکر خواهند افتاد و در همه یک انگیزه‌ای به وجود می‌آید؛ کانه یک جاده‌ی وسیع و یک بزرگ‌راهی به وجود می‌آید که همه میل می‌کنند از این بزرگراه حرکت کنند» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۰۶/۰۳).

در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، رهبری یک «مدیریت کلان ارزشی» است:

رهبری یک مدیریت است؛ البته مدیریت اجرایی نیست... مدیریت اجرایی در بخش قوه‌ی مجریه ضوابط مشخصی دارد، معلوم است، مسئولین معینی دارد؛ در قوه‌ی قضائیه همین‌طور، هر کدام مسئولیت‌هایی دارند؛ قوه‌ی مقننه هم که معلوم است. رهبری، ناظر بر این‌ها است. به چه معنا؟ به این معنا که از حرکت کلی نظام مراقبت کند. در واقع رهبری یک «مدیریت کلان ارزشی» است. گاهی اوقات فشارها، مضیقه‌ها و ضرورت‌ها، مدیریت‌های گوناگون را به بعضی از انعطاف‌های غیرلازم یا غیرجایز وادار می‌کند؛ رهبری بایستی مراقب باشد، نگذارد چنین اتفاقی بیفتد. این مسئولیت بسیار سنگینی است. این مسئولیت، مسئولیت اجرایی نیست... آنجایی که اتخاذ یک سیاستی منتهی خواهد شد به کج شدن راه انقلاب، رهبری مسئولیت پیدا می‌کند. در تصمیم و عمل رهبری باید عقلانیت در خدمت اصول قرار بگیرد، واقع‌بینی در خدمت آرمان‌گرایی‌ها قرار بگیرد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۰/۰۷/۲۴).

«مدیریت انقلاب، غیر از مدیریت اجرایی کشور است. برای رهبری، وارد شدن در میدان اولاً به صورت طرح مسئله و بسیج افکار عمومی است؛ ثانیاً به صورت خواستن از دستگاه‌های اجرایی است.» (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۲/۰۲/۲۲)

اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین سازوکار رهبری برای مدیریت کلان ارزشی نظام و جامعه‌ی اسلامی، گفتمان‌سازی‌های آیت‌الله خامنه‌ای از طریق سخنرانی‌های عمومی است و به نظر می‌رسد که آیت‌الله خامنه‌ای این امر را به‌عنوان یکی از سازوکارهای راهبردی مدیریت جامعه و بخش مرکزی نقش و مدیریت رهبری تعریف نموده و دنبال می‌کنند.

مرور مجموعه بیانات آیت‌الله خامنه‌ای درباره مفهوم گفتمان و توجه به دیدگاه‌ها و کنش‌های ایشان در حوزه گفتمان‌سازی نشان می‌دهد که هر هدف یا آرمان برای مطرح

شدن به‌عنوان گفتمان - در قالب یک مفهوم یا به‌عنوان یک مطالبه - مراحل ذیل را طی می‌کند:

- واژه‌سازی: این کار معمولاً توسط خود آیت‌الله خامنه‌ای بر پایه‌ی اصول عقاید اسلامی، نیازهای روز جامعه و جهان انجام می‌شود؛ ضمن آنکه از ظرفیت‌های زبان خودی (فارسی) در ساخت و کاربست واژگان حداکثر استفاده انجام می‌شود.

- اقتناع و اعتقاد نخبگان: آیت‌الله خامنه‌ای این واژگان را در فضاها‌ی نخبگانی مطرح و تشریح می‌کند و آنان را به پرداخت بیشتر نسبت به آن فرامی‌خوانند. با تعمیق و تولید علمی، آن واژه به‌صورت قابل تعریف در فضای عمومی درمی‌آید و جوانان دانشجو یا طلبه به‌عنوان پیشران حرکت جامعه، طنین آن را توسعه می‌دهند.

- مطالبه‌گری عمومی: واکاوی و دنباله‌گیری اهالی علم و تحقیق نسبت به یک واژه و دامن زدن به آن در فضای عمومی جامعه، آن را به یک مطالبه‌ی مردمی تبدیل می‌کند. البته در این مرحله، رسانه‌ها نیز با برنامه‌سازی‌های خود نقش تعیین‌کننده‌ای دارند اما آن‌ها نیز به نوبه‌ی خود یکی از استفاده‌کنندگان از برون‌دادهای دانشگاه و حوزه هستند.

- نهادینه شدن: فضای جامعه از دامن زدن به یک مفهوم یا مطالبه آکنده می‌شود و درخواست برای تحقق آن به‌صورت یک خواست همگانی درمی‌آید. این نهادینگی، در تحلیل و قضاوت مردم نسبت به کنش‌های حاکمیت اثر می‌گذارد و گاهی در فرصت‌های تعیین‌کننده‌ای مانند انتخابات خود را نشان می‌دهد.

- تصمیم‌گیری و اقدام: نهادها و کارگزارانی که در مقام تصمیم‌گیری قرار دارند، آن گفتمان را به‌صورت برنامه و سرمشقی برای اجرا تلقی می‌کنند و بر اساس آن اقدام می‌نمایند.

به این ترتیب، یک نوع چهارچوب اندیشه‌ای - رفتاری نانوشته برای حرکت عمومی جامعه از صدر تا ذیل پدید می‌آید که خودآگاه یا ناخودآگاه، کم یا بیش، همه در حدود آن عمل می‌کنند یا دست‌کم بر اساس آن ارزیابی می‌شوند (غفاری، ۲۵۸: ۱۳۹۵-۲۵۷).

درواقع آیت‌الله خامنه‌ای در فرایند شکل‌گیری و گسترش گفتمان‌های کلان جامعه اسلامی جایگاهی محوری دارند چراکه ایشان با ایجاد مفاهیم و واژگان کلیدی جدید بر

اساس نیازهای نظام سیاسی و جامعه، آغازگر روندی می‌شوند که به تدریج به صورت یک گفتمان تثبیت و عملیاتی می‌شود. در ادامه ایشان، این مفاهیم را با تبیین منطقی و استدلالی برای نخبگان شرح می‌دهند تا زمینه تعمیق و گسترش آن در سطوح علمی و فکری فراهم آید. سپس با تبیین ابعاد مختلف موضوع در بیانات و سخنرانی‌های مکرر در عرصه عمومی، افکار مردم را نسبت به آن‌ها حساس و مطالبه‌گر می‌کنند. نهایتاً این جریان در سطح اجرایی و سیاست‌گذاری به مرحله نهادینه‌سازی می‌رسد و آیت‌الله خامنه‌ای با هدایت و نظارت مستمر، تحقق آن گفتمان را در سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات رسمی دنبال و پیگیری می‌کنند.

۲-۲. مفهوم‌شناسی هویت ملی

هویت ملی، جامع‌ترین شکل هویت جمعی است. این هویت، احساس تعلق به یک ملت را در چارچوب یک سرزمین، فرهنگ، تاریخ، سیاست، مذهب، ادبیات، زبان مشترک، اسطوره‌ها و نمادها بیان می‌کند. هویت ملی، واقعیتی مصنوعی و خلق‌الساعه نیست، بلکه حاصل یک فرایند تاریخی طولانی است که طی آن، گروه‌های مختلف با گذشت زمان و در تعامل با یکدیگر، به یک هویت مشترک دست یافته‌اند (مرتضایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۶).

اسمیت، هویت ملی را فرایندی مداوم و پویا می‌داند که در آن ارزش‌ها، نهادها، خاطرات، اسطوره‌ها و سنت‌های یک ملت، به‌طور مداوم بازتولید و بازتفسیر می‌شوند. این فرایند، به افراد کمک می‌کند تا هویت خود را با الگوهای فرهنگی و تاریخی ملتشان شناسایی کنند (علیزاده اقدم و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۰). هویت ملی، احساس وابستگی و تعلق خاطر به ویژگی‌های مشترک در جامعه ملی است. این ویژگی‌ها، هویت ملی را شکل می‌دهند و باعث متمایز شدن آن ملت از سایر ملت‌ها می‌شوند (علیزاده اقدم و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۰).

۲-۳. مفهوم‌شناسی استعمار فرهنگی

ادوارد سعید (Edward Said) از مهم‌ترین نظریه‌پردازان حوزه مطالعات استعمارزدایی و نظریه «استعمار فرهنگی» است که در مطالعات خود به بررسی چگونگی سلطه فرهنگی و ایدئولوژیک کشورهای استعمارگر بر ملت‌های مستعمره می‌پردازد. از نظر ادوارد سعید امپریالیسم عبارت است از عمل، نظر و ایستارهای یک مرکز بزرگ شهری مسلط و غالب که درباره سرزمین‌های دوردست تصمیم می‌گیرد. استعمار نیز که همواره از نتایج و تبعات امپریالیسم هست عبارت است از تمهید و تدارک اسکان مردمی بیگانه - مهاجر - در سرزمین دوردست. استعمار مستقیم امروزه عمدتاً پایان یافته است. امپریالیسم در جاهایی که لازم است باشد در جوی کلاً فرهنگی و با کارکردهایی سیاسی عقیدتی اقتصادی و اجتماعی ماندگار خواهد شد. نه امپریالیسم و نه استعمار تنها یک فعالیت ساده انباشتن سرمایه و تحصیل سود نیست. هر دو با صورت‌های مؤثر و ناقد ایدئولوژیک حمایت‌شده و شاید مجبورند که از صورت‌هایی که در خود پنداره‌های خاصی دارند استفاده کنند پندارهایی مانند این نکته که هستند سرزمین‌ها و آدم‌های مشخصی که نیاز به سلطه دارند و به همان اندازه نیز تمنای دانشی که با سلطه مربوط است (سعید، ۱۳۸۲: ۴۷).

او با تأکید بر رابطه ذاتی و انکارناپذیر فرهنگ و امپریالیسم، معتقد است که امپراتوری از طریق فرهنگ سلطه خود را نهادینه و این ایده را ترویج می‌کند که [انسان] شرقی حق ندارد حتی تاریخ خود را روایت کند. وی با اشاره به این که امپریالیسم تنها با روابط سلطه سروکار ندارد بلکه نوعی ایدئولوژی توسعه و پیشرفت نیز با خود به همراه دارد این ایده را که فرهنگ نمی‌تواند بخشی از امپریالیسم یا امپراتوری باشد، نقد می‌کند و آن را شگردی برای غفلت از ارتباط آن دو می‌داند (مهدی زاده، ۱۳۹۲: ۲۱۳).

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای استعمار یعنی تصرف و به دست گرفتن سرنوشت کشورهای دیگر با هدف غارت ثروت و منابع آن‌ها توسط کشورهای سلطه‌گر: معنای استعمار این است که یک کشوری با هزارها کیلومتر فاصله، دست‌اندازی کند به یک کشوری که منبع ثروت است - مثلاً شبه‌قاره‌ی هند - و آنجا را به قدرت شمشیر و به قدرت سلاح پیشرفته، در اختیار خودش بگیرد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۷/۰۶/۰۵).

این پدیده را کشورهای غربی از حدود ۲۰۰ سال گذشته به وجود آوردند:

از دورانی که مسئله‌ی استعمار در دنیا شروع شد - یعنی از قرن نوزدهم - که آرام آرام از حدود دویست سال قبل تقریباً مسئله‌ی استعمار یعنی دست‌اندازی به کشورهای دیگر از سوی قدرت‌هایی که می‌توانستند دست‌اندازی کنند، شروع شد، نظام سلطه سر کار آمد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۷/۰۴/۰۴).

آیت‌الله خامنه‌ای، استعمار فرهنگی را یکی از ابعاد و وجوه مهم پدیده‌ی استعمار در طی قرون متمادی می‌دانند:

استعمارگران در دوران استعمار، یکی از اولین کارهایی که می‌کردند، این بود که فرهنگ خودشان را وارد آن منطقه‌ی تحت نفوذ استعماری کنند؛ یعنی این را حساب‌شده می‌کردند؛ نه به این معنا که لشکریانشان می‌آمدند، سال‌ها می‌ماندند و فرهنگ قهراً منتقل می‌شد؛ نه. برای این کار، محاسبه می‌کردند... اگر یک‌وقت قدرتمندان عالم و کسانی که می‌توانند کاری بکنند، ملاحظه کنند که بخشی از فرهنگ یک کشور، مزاحم آن‌ها و معارض منافع آن‌هاست، بدیهی است که با آن بخش، معارضه‌ی فرهنگی می‌کنند! (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۶/۱۱/۰۴).

از دیدگاه ایشان در عصر حاضر، مهم‌ترین مسئله در بلندمدت برای مراکز قدرت سیاسی جهان، «تسلط فرهنگی» است؛ زیرا با تسلط بر فرهنگ یک کشور دیگر نیازی به اعمال زور مداوم نیست و اهداف سلطه‌گر به‌طور خودکار پیش می‌رود:

امروز مهم‌ترین چیزی که در بلندمدت برای مراکز قدرت سیاسی دنیا مطرح است، سلطه فرهنگی است. با این که ممکن است هدف اصلی فرهنگ نباشد و آدم‌هایی باشند که مثلاً بگویند به فرهنگ چه کار داریم - اصلاً فرهنگی نباشند - لیکن به‌عنوان برنامه بلندمدت، چیزی که به مراکز سلطه جهانی، اقتدار حقیقی و تضمین شده می‌بخشد، سلطه فرهنگی است. واقعاً اگر نظام سلطه جهانی بر کشوری تسلط فرهنگی پیدا کند، خاطرش آسوده است، همان چیزی که او می‌خواهد، به‌طور خودکار و با اندک تلاشی انجام می‌گیرد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۷۸/۱۱/۰۴).

یکی از اصلی‌ترین روش‌های استعمار فرهنگی از سوی استعمارگران غربی، «نابودی هویت و شخصیت ملت‌ها» است:

در تحلیل رفتار جریان‌های استعماری و سلطه‌های سیاسی و اقتصادی بر دنیا - که الآن صدسال است مسئله‌ی مورد ابتلای کشورهای عقب‌افتاده‌ی دنیاست - همه‌ی راه‌ها به یک نقطه ختم می‌شود و آن عبارت است از این‌که هویت و شخصیت یک ملت را از او بگیرند تا احساس حقارت کند. اگر شما احساس حقارت کردید، تسلط بر شما دیگر سرمایه‌ای نمی‌خواهد و زوری لازم ندارد. ملت‌ها، تاریخ و فرهنگ و گذشته و نشانه‌های حضور و وجود و شخصیتی دارند. همه‌ی این‌ها مانع می‌شود تا ملتی بردگی یک قدرت سیاسی و یک سلطه‌ی بیگانه و یک ملت دیگر را قبول کند. وقتی این را از دست ملتی گرفتند، این ملت دیگر سلاح و سپر معنوی ندارد. مایه‌ی تفاخر و احساس هویت او را سلب کرده‌اند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۰/۱۲/۰۵).

از سوی دیگر، استعمار فرهنگی با ترویج و تحمیل فرهنگ بیگانه به‌جای فرهنگ بومی همراه است. ایشان به‌طورکلی فرهنگ غربی را فرهنگی مهاجم و مخرب فرهنگ‌های بومی سایر ملل می‌دانند:

فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده‌ی فرهنگ‌هاست. هر جا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگ‌های بومی را نابود کردند، بنیان‌های اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آنجایی که توانستند، تاریخ ملت‌ها را تغییر دادند، زبان آن‌ها را تغییر دادند، خط آن‌ها را تغییر دادند. هر جا انگلیس‌ها وارد شدند، زبان مردم بومی را تبدیل کردند به انگلیسی؛ اگر زبان رقیبی وجود داشت، آن را از بین بردند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

آیت‌الله خامنه‌ای نمونه بارز این تحمیل فرهنگی را جایگزینی زبان انگلیسی به‌جای زبان فارسی در شبه‌قاره هند توسط استعمارگران انگلیس می‌داند، جایی که زبان فارسی، زبانی زنده و رسمی بود؛ اما با زور و اجبار حذف شد:

در شبه‌قاره‌ی هند، زبان فارسی چند قرن زبان رسمی بود؛ تمام نوشتجات، مکاتبات دستگاه‌های حکومتی، دولتی، مردم، دانشوران، مدارس عمده، شخصیت‌های برجسته، با

زبان فارسی انجام می‌گرفت. انگلیس‌ها آمدند زبان فارسی را با زور در هند ممنوع کردند، زبان انگلیسی را رایج کردند. شبه‌قاره‌ی هند که یکی از کانون‌های زبان فارسی بوده، امروز در آنجا زبان فارسی غریب است؛ اما زبان انگلیسی، زبان دیوانی است؛ مکاتبات دولتی با انگلیسی است، حرف زدن غالب نخبگان‌شان با انگلیسی است - باید انگلیسی حرف بزنند - این تحمیل شده. در همه کشورهای که انگلیس‌ها در دوران استعمار در آنجا حضور داشتند، این اتفاق افتاده است؛ تحمیل شده است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

و این تحمیل فرهنگ در قالب فعالیت‌های رسانه‌ای و تبلیغات سنگین انجام می‌گیرد: در تبلیغات بلندمدت بسیار حساب‌شده‌ی استکبار و دستگاه‌های استعماری می‌بینید که به ملت‌ها تلقین می‌کنند شما چیزی ندارید؛ شما گذشته‌ای ندارید، افتخاراتی ندارید، هویتی ندارید؛ شما کسی نیستید. چقدر از تمدن‌های گذشته را که می‌توانستند پنهان کنند، به این وسیله پنهان کردند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۰/۱۲/۰۵).

از سوی دیگر، آیت‌الله خامنه‌ای موضوع استعمار فرهنگی را فقط محدود به مسائلی چون تغییر زبان یا تغییر پوشش و غیره نمی‌داند بلکه معتقدند استعمارگران در مدت‌زمان طولانی در کشورهای اسلامی تلاش کردند تا مفاهیم دینی و ارزش‌های والایی همچون «جهاد» را تحریف کنند تا مقاومت‌های دینی و ملی را تضعیف کرده و ملت‌ها را از قدرت دفاع خود محروم سازند:

در طول سال‌های متمادی در کشورهای اسلامی کاری کردند که متفکران در کشور ما و کشورهای عربی، در نوشته‌ها و تحقیقاتشان اصرار کنند که جهاد اسلامی یعنی دفاع! جهاد معنای عظیمی دارد - یعنی مبارزه‌ی سرسخت برای نابود کردن موانع رستگاری بشر - جهاد که کشورگشایی نیست؛ ببینید چه معنای پُرشکوهی دارد؛ اما این را انکار کردند و گفتند اصلاً ما جهاد به این معنا نداریم! چند سال در نوشته‌های خود، این را ترویج کردند. چرا؟ چون در تبلیغات انبوه و متراکم غربی‌ها و سیاست‌مداران آن روز، جهاد را آن‌چنان خراب و منفی قلمداد کرده بودند که هر کس سعی می‌کرد به خیال خودش، خود و پیغمبر را از این تهمت مبراً کند! توجیهاتی می‌کردند که جنگ بدر و فلان جنگ به این جهت دفاعی بوده است. این‌گونه، ملت‌ها را از افتخارات و ارزش‌های خودشان جدا می‌کنند.

این یک اصل است که دستگاه‌ها و جریان‌های سلطه‌طلب دنیا همیشه داشته‌اند، امروز هم دارند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۰/۱۲/۰۵).

یکی دیگر از روش‌های مؤثر استعمار فرهنگی غرب که مورد توجه آیت‌الله خامنه‌ای قرار گرفته است ایجاد «بدبینی نسبت به گذشته و داشته‌های فرهنگی و دینی» است. از منظر ایشان، این روند به‌گونه‌ای بوده که مردم نسبت به دین، آداب، سنت و تاریخ خود دلسرد و بدبین شوند و در نتیجه به سمت پذیرش فرهنگ غربی سوق داده شوند:

استعمارگران از قرن‌های شانزده و هفده که وارد سرزمین‌های شرق - از جمله سرزمین‌های اسلامی - شدند، برای اینکه بتوانند کاملاً کمند اسارت را به دست‌وپای این ملت‌ها ببندند و اسیرشان بکنند، شروع کردند آن‌ها را نسبت به گذشته‌ی خود، نسبت به داشته‌های خود، نسبت به مذهب خود، نسبت به آداب خود و نسبت به لباس خود بدبین کردن... یعنی دینش را، اخلاقش را، لباسش را، خطش را، گذشته‌اش را و مفاخرش را کنار بگذارد و فراموش بکند، اما فرهنگ غربی، آداب غربی، رسوم غربی، تفکر غربی و روش و منش غربی را بپذیرد! (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۸/۰۲/۲۲)

آیت‌الله خامنه‌ای نمونه‌ای دیگر از اجرای سیاست‌های استعمار فرهنگی غرب را «استحاله هویتی ملت ایران از طریق تجدد و تحول غیرواقعی در دوران حکومت پهلوی» می‌داند؛ جریانی که سمت‌وسوی مرگ تمدنی داشته است:

اندکی قبل از حکومت پهلوی و بعد، شدت‌ش در دوران حکومت پهلوی، چیزی به نام تجدد وارد کشور شد که این را به‌عنوان یک تحوّل در زندگی ملت ایران به حساب می‌آوردند؛ این تحوّل نبود، این استحاله‌ی ملت ایران بود، هویت ملت ایران را از او سلب کردن بود؛ یعنی در واقع ملت ایران، هویت دینی خود، هویت ملی خود، هویت تاریخی عمیق خود را در این تجدد از دست داد. تجددی که [طی آن]، در دوران پهلوی، هم یک مقداری به‌وسیله‌ی رضاخان، هم [به‌وسیله‌ی] پشتوانه‌ها و به‌اصطلاح روشنفکرهای غرب‌زده و طلسم‌شده‌ی زمان رضاخان - که او را وادار می‌کردند، هدایت می‌کردند، کمک می‌کردند و توجیه می‌کردند کارهای او را - در واقع هویت ملت ایران سلب شد، یعنی [ملت ایران] از آن هویت واقعی خارج شد؛ این استحاله است، این تحوّل نیست. تحوّل

باید روبه جلو باشد، این رو به عقب رفتن بود. ملت‌ها اگر چنانچه هویت خودشان را از دست بدهند، داشته‌های معنوی خودشان را از دست بدهند، در واقع یک مرگ تمدنی برای آن‌ها به حساب می‌آید؛ این یک مرگ تمدنی است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۹/۰۳/۱۴).

آیت‌الله خامنه‌ای در نقطه مقابل این استعمار فرهنگی که جهش از بین رفتن هویت ملی و اسلامی ایران و ایرانیان بوده به نقش برجسته امام خمینی (ره) در احیای هویت ملت ایران توجه می‌کنند:

در هیچ یک از قضایای گذشته، این حرکت عظیم ملی با دعوت کسی مثل امام — که البته هیچ کس را مثل امام نداشتیم — سابقه ندارد. این [طور] بود که هم به ملت احساس هویت داد، از آن‌ها توقع کرد که وارد بشوند، هم به آن‌ها اعتماد کرد، هویت فرهنگی و تاریخی ملت را به یادشان آورد، از غفلت خارج کرد همه‌ی ما را (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲).

آیت‌الله خامنه‌ای بر این باورند که مقابله با استعمار فرهنگی، باید با بازسازی و احیای هویت ملی صورت گیرد و ملت‌ها باید ضمن حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی، استقلال فرهنگی خود را نیز تأمین کنند تا به معنای واقعی کلمه آزاد و مستقل باشند؛ چراکه حتی در صورتی که یک کشور در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی به ظاهر خودکفا و مستقل باشد، اگر تحت تأثیر و غلبه فرهنگ بیگانه قرار گیرد، در واقعیت یک ملت وابسته و تحت سلطه باقی خواهد ماند:

همه‌ی مردم کشورمان — مخصوصاً آن قشرهایی که از آگاهی و معرفت و سواد و علم و فرهنگ برخوردارند — بدانند که استقلال یک ملت تأمین نمی‌شود مگر با استقلال فرهنگی. یک ملت اگر از لحاظ سیاسی تحت تأثیر قدرت‌های بزرگ نباشد و از لحاظ اقتصادی به خودکفایی کامل هم برسد، اما فرهنگ و اخلاق و عقاید و باورهای دشمنان و بیگانگان در میان این ملت رواج داشته باشد و رشد بکند، این ملت نمی‌تواند ادعا بکند که مستقل است. در دنیا سررشته‌ی فرهنگ دست یک عده‌ای است؛ آن‌ها هستند که لباس راه، کیفیت زندگی راه، پوشش راه، وضع نشست و برخاست راه، اخلاق راه، معرفت راه برای انسان‌های بی‌گناه و بی‌خبر در سرتاسر عالم رقم می‌زنند و برای آن‌ها سرمشق معین

می‌کنند. اگر یک ملّتی بتواند خود را از سرایت موج مسموم فرهنگی که بیگانگان ساخته‌اند و پرداخته‌اند و گسترش داده‌اند، حفظ کند، این ملّت و این مجموعه یک مجموعه‌ی مستقل است؛ اما اگر نتواند، اگر تحت تأثیر غلبه‌ی فرهنگ بیگانه - که ساخته‌ی دست بیگانگان و دشمنان است - قرار بگیرد، این ملّت یک ملّت وابسته است، یک ملّت اسیر است، ملّتی است که هرچه از لحاظ اقتصادی و سیاسی هم خود را مستقل بکند، باز تحت تأثیر آن‌کسانی است که سررشته‌ی فرهنگ را در دست و در اختیار دارند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۶۸/۰۹/۱۵).

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و بر اساس ماهیت، در قلمرو تحقیقات کیفی قرار می‌گیرد. در این پژوهش، تحلیل محتوا به صورت کیفی و بر پایه بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به کار رفته است. در روش تحلیل محتوای کیفی، پژوهشگر به بررسی نظام‌مند و عینی محتوای مکتوب، شفاهی یا بصری می‌پردازد. این محتوا می‌تواند شامل متون نوشتاری مانند کتاب‌ها، مقالات، اسناد و گزارش‌ها یا محتوای شفاهی مانند سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و مکالمات یا محتوای بصری مانند تصاویر، فیلم‌ها و تبلیغات باشد. هدف از تحلیل محتوا، دستیابی به فهم عمیق و جامع از محتوای مورد بررسی است. این روش به پژوهشگر کمک می‌کند تا معنا، اولویت‌ها، نگرش‌ها، شیوه‌های درک و سازمان‌دهی جهان را در محتوای مورد بررسی شناسایی کند (تبریزی، ۱۳۹۳: ۱۰۷). به بیانی دیگر، تحلیل محتوای کیفی، روشی از پژوهش است که در آن پژوهشگر با مطالعه، تحلیل و بررسی اسناد و متون، به هدف پژوهش دست می‌یابد. در این روش، پژوهشگر با استخراج داده‌ها از متن، به پرسش‌های پژوهش پاسخ می‌دهد یا به توصیفی از متن دست می‌یابد. به‌طور کلی، تحلیل محتوا به هر رویه‌ای اطلاق می‌شود که برای تحلیل، تلیخیص، طبقه‌بندی و استنباط کردن خصوصیات خاص از متن منجر شود (مؤمنی‌راد و همکاران، ۱۹۵: ۱۳۹۲).

این روش برای پژوهش‌هایی که از یک سو دارای تنوع و حجم بالایی از داده‌ها بوده و به تبیین رویکردی خاص در اثنای داده‌ها می‌پردازند و از سوی دیگر در پی بررسی و

مقایسه داده‌ها برای تبیین چارچوب و الگویی خاص هستند، مناسب است (سید امامی، ۱۳۸۶). از این جهت است که روش تحلیل محتوای کیفی برای پیشبرد این پژوهش انتخاب شده است. همچنین با توجه به متن محور بودن رویکرد و محتوای مورد پژوهش، در بسیاری از موارد بیانات آیت‌الله خامنه‌ای بدون تغییر آورده شده است. تاریخ هر سخنرانی بلافاصله پس از متن ذکر شده و منبع تمامی آن‌ها پایگاه رسمی ایشان (KHAMENEI.IR) است.

برای انجام پژوهش حاضر بر اساس روش تحلیل محتوای کیفی، چندین گام طی شده که در ادامه شرح داده خواهد شد:

۳-۱. دقیق‌سازی مسئله پژوهش

در این پژوهش، ابتدا با یک پرسش کلی و مبهم مواجه بودیم مبنی بر اینکه: «آیت‌الله خامنه‌ای چگونه در گفتمان‌سازی‌های خود به تحکیم هویت ملی ایرانیان و مقابله با استعمار فرهنگی غرب پرداخته‌اند؟» برای اینکه این مشکل به یک مسئله پژوهشی دقیق تبدیل شود، تلاش شد با طرح پرسش‌های جزئی‌تر و مراجعه مستقیم به بیانات ایشان، ابعاد موضوع روشن‌تر شود. بدین منظور، مجموعه‌ای از بیانات پایه و اصلی و فیش‌هایی از سخنان ایشان که به موضوعات گفتمان‌سازی، هویت ملی و استعمار فرهنگی اختصاص داشت، انتخاب شد. این انتخاب از طریق مراجعه به بخش «جستار و بیانات موضوعی» در پایگاه اطلاع‌رسانی ایشان (KHAMENEI.IR) و رجوع به متخصص در این زمینه انجام شد تا پژوهش از سطح کلی‌گویی فراتر رفته و بر مسائل پژوهش متمرکز شود. در نتیجه، موضوع پژوهش به این صورت دقیق شد که در چه «عرصه‌هایی گفتمان‌سازی توسط آیت‌الله خامنه‌ای برای تحکیم هویت ملی ایرانیان و مقابله با استعمار فرهنگی غرب انجام شده و این گفتمان‌سازی‌ها چگونه به تحکیم مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان و مقابله با استعمار فرهنگی غرب کمک می‌کنند؟»

۲-۳. جستجو و گردآوری داده‌ها

پس از تعیین و تدقیق مسئله پژوهش و تدوین پرسش‌ها وارد مرحله نمونه‌گیری شدیم. برای انتخاب نمونه در تحلیل محتوای کیفی بیشتر از روش نمونه‌گیری «هدفمند» استفاده می‌شود. منظور از نمونه‌گیری هدفمند انتخاب واحدهای خاص و دسترسی به واحدهایی است که اطلاعات بیشتری در ارتباط با عنوان پژوهش در اختیار پژوهشگر قرار دهند.

لذا برای پاسخ دادن به سؤالات اصلی و فرعی پژوهش، مجموعه بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از سال ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۴ که مرتبط با موضوع پژوهش بود، مطالعه و بررسی شده است. منبع این بیانات پایگاه اطلاع‌رسانی رسمی ایشان (KHAMENEI.IR) بوده است. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، داده‌های موردنیاز پژوهش از شیوه جستجوی کلیدواژه‌ای و متن‌کاوی گردآوری و با توجه به ماهیت پژوهش برای جمع‌آوری آن‌ها از روش کتابخانه‌ای و مطالعه بیانات استفاده شد. دلیل محدود شدن دامنه‌ی بیانات اولاً محدودیت‌های عملی و زمانی انجام پژوهش و ثانیاً نوعی تأکید و بسامد بیشتر موضوع هویت در ادبیات آیت‌الله خامنه‌ای از ابتدای دهه ۸۰ به بعد بوده است. در این زمینه تعداد زیادی فیش از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای توسط پژوهشگران این تحقیق مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و درنهایت ۲۵۰ فیش از حیث ربط معنایی با موضوع و ارتباط محتوایی با سؤالات اصلی و فرعی پژوهش مورد انتخاب نهایی و کدگذاری قرار گرفت.

شناسایی واژگان کلیدی جهت جستجو از طریق جستجو در منابع اطلاعاتی از دو روش توجه به «حوزه معنایی» و «مؤلفه‌های معنایی» انجام پذیرفته است. توجه به «حوزه معنایی» به معنای آن است که متناسب با موضوع پژوهش یک یا چند کلیدواژه اولیه انتخاب شده و در گام بعدی، با توجه به منظومه فکری رهبران انقلاب در حوزه موضوعی تحقیق، کلیدواژه‌های مترادف، هم‌نشین، جانشین یا سایر کلیدواژه‌هایی که باید مورد جستجو قرار گیرند، اضافه شدند. در فرایند توجه به «مؤلفه‌های معنایی» باید به این مسئله توجه کرد که موضوع پژوهش مشتمل بر کدام زیرمجموعه‌های معنایی است، سپس تمام آن زیرمجموعه‌های معنایی در زمره کلیدواژه‌هایی که باید جست‌وجو شوند، قرار گرفتند (تحلیل منظومه‌ای، ۱۴۰۳: ۱۲۰-۱۱۹).

بدین ترتیب، منابع به صورت هدفمند و بر اساس کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع پژوهش انتخاب شدند. سپس با استفاده از کلیدواژه‌های استخراج‌شده، تمامی فیش‌های مرتبط شناسایی و از میان کل داده‌های استخراج‌شده، موارد مرتبط با موضوع پژوهش گزینش شدند.

این واژگان کلیدی در جدول شماره (۲) ذکر شده‌اند:

جدول ۲: واژگان کلیدی

هویت ملی	استعمار فرهنگی	زبان فارسی	حافظه تاریخی
هویت	استعمار	زبان فارسی	حافظه تاریخی ملت‌ها
هویت ملی	استعمار فرهنگی	مرجعیت زبان فارسی	حافظه این ملت
هویت جمعی	استعمار نو	نفوذ زبان فارسی	حافظه مردم
ناسیونالیسم	استعمار فرانو	پاسداشت زبان فارسی	حافظه امت
ملی‌گرایی	تهاجم فرهنگی	ادبیات فارسی	تجربه تاریخی
ملیت	شبیخون فرهنگی	خط فارسی	خاطره تاریخی
هویت ملت‌ها	سلطه فرهنگی		مناسبت تاریخی
هویت فرهنگی	نفوذ فرهنگی		افتخارات تاریخی
	استقلال فرهنگی		سابقه تاریخی
	استعمار هویتی		تاریخ دفاع مقدس
			دفاع مقدس
			روایت هنری حوادث بزرگ گذشته
			روایت هنری حوادث دفاع مقدس

هویت ملی	استعمار فرهنگی	زبان فارسی	حافظه تاریخی
			خاطرات دفاع مقدس
			تاریخ دشمنی آمریکا با ایران
			روایت‌های تاریخی و خاطرات رهبر انقلاب از دفاع مقدس
			ثبت جزئیات دفاع مقدس
			تاریخ مبارزات و پیروزی انقلاب اسلامی
			کودتای ۲۸ مرداد
			حماسه ششم بهمن آمل
			قیام بیست‌ونهم بهمن مردم تبریز
			قیام ۱۹ دی

اعتماد به نفس ملی	پیشرفت	تولید ملی	تعلیم و تربیت
اعتماد به نفس	الگوی پیشرفت	تولید	تعلیم و تربیت
اعتماد به نفس ملی	الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی	حمایت از تولید ملی	آموزش و پرورش
اتکاب به نفس	الگوی پیشرفت بومی	تولید ملی	وزارت آموزش و پرورش
خودباوری	پیشرفت	تولید داخلی	معلم
شعار ما می‌توانیم	پیشرفت حقیقی	کالای داخلی	معلمان
خودباوری علمی	پیشرفت صوری	خودکفایی	دانشگاه
خودباوری ملی	پیشرفت ملت ایران	اقتصاد مقاومتی	اساتید دانشگاه‌های کشور

اعتماد به نفس ملی	پیشرفت	تولید ملی	تعلیم و تربیت
روحیه خودباوری			استاد دانشگاه
ما می‌توانیم			دانشجو

۳-۳. کدگذاری داده‌ها

گام بعدی در تحلیل محتوای کیفی، کدگذاری است. کدگذاری فرایندی است که در آن داده‌های پژوهش کیفی به واحدهای معنادار تقسیم می‌شوند. این فرایند به پژوهشگر کمک می‌کند تا مفاهیم و مضامین اصلی داده‌ها را شناسایی کند. در تحلیل محتوای کیفی، کدگذاری می‌تواند به دو روش قیاسی و استقرایی انجام شود (مؤمنی‌راد، ۱۳۹۲: ۹۴).

در رویکرد قیاسی از تحلیل محتوای کیفی مقولات و طبقات در آخر پژوهش به دست نمی‌آیند، بلکه محقق با مفروض گرفتن برخی تعاریف و تعمیم‌ها به عنوان طبقات، متن موردنظر را به صورت کیفی تحلیل می‌کند و به دنبال مصادیقی از تعاریف و تعمیم‌ها در کل متن می‌گردد (فردانش، ۱۳۸۷: ۱۱).

در تحلیل محتوای استقرایی پژوهشگر از به‌کارگیری طبقات از پیش تعیین شده اجتناب می‌ورزد و طبقات و نامشان از درون داده‌ها بیرون می‌آیند. فرایند تحلیل داده‌ها در پژوهش کیفی معمولاً با غوطه‌وری در داده‌ها آغاز می‌شود. در این مرحله، پژوهشگر داده‌ها را چندین بار می‌خواند تا با آنها آشنا شود و درک کلی از آنها به دست آورد. این کار به پژوهشگر کمک می‌کند تا مفاهیم کلیدی داده‌ها را شناسایی کند. پس از غوطه‌وری در داده‌ها، پژوهشگر کدهایی را برای مفاهیم کلیدی شناسایی می‌کند. این کدها می‌توانند کلمه، عبارت یا جمله باشند. پژوهشگر کدها را با استفاده از روش‌های مختلفی مانند کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی استخراج می‌کند. این مرحله شامل سه نوع کدگذاری است:

- کدگذاری باز: داده‌ها به بخش‌های کوچک تقسیم شده و هر بخش با عنوانی مشخص نام‌گذاری می‌شود. این عناوین مفاهیمی هستند که از دل داده‌ها استخراج می‌شوند (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵: ۲۰۶).

- کدگذاری محوری: مفاهیم استخراج شده گروه‌بندی و مقوله‌بندی می‌شوند تا ارتباطات میان آن‌ها مشخص شود. در این مرحله پژوهشگر با روش مقایسه مداوم، مقوله‌های اصلی و فرعی را شناسایی می‌کند (مهرابی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۴).

- کدگذاری گزینشی: در این مرحله پس از شکل‌گیری کدهای محوری در مرحله پیشین، در این مرحله کدهای محوری با دقت بیشتری برای شناسایی اشتراکات آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند. بر اساس این اشتراکات، مؤلفه‌ها در دسته‌بندی‌های کلی‌تر طبقه‌بندی می‌شوند تا به شکل محدودتر و منسجم‌تری سازمان‌دهی شوند.

روش پژوهش حاضر تلفیق رویکردهای قیاسی و استقرایی است. این پژوهش به‌طور کامل استقرایی نیست و در مرحله انتخاب و دسته‌بندی عرصه‌ها، از رویکرد قیاسی نیز بهره گرفته شده است. به این صورت که انتخاب نهایی عرصه‌های گفتمان‌سازی زبان فارسی، حافظه تاریخی، اعتماد به نفس ملی، پیشرفت، تعلیم و تربیت و تولید ملی علاوه بر تکرارپذیری مضامین در داده‌ها، با تکیه به چارچوب نظری درباره مسئله پژوهش انجام شد.

در این روش، نمونه‌گیری در مراحل کدگذاری و استخراج مضامین تا جایی ادامه یافت که دیگر مفهومی به مفاهیم قبلی اضافه نشده و داده‌ها به اشباع نظری رسیده است.

۳-۴. تحلیل داده‌ها و گزارش نویسی پژوهش

در مرحله نهایی با بررسی و کشف روابط متقابل میان مقوله‌های اصلی و کدهای استخراج‌شده زمینه‌ای فراهم می‌شود تا بتوان به شکل نظام‌مند به سؤالات پژوهش پاسخ داد. در واقع در این مرحله نتایج به‌دست‌آمده در مرحله یافته‌های پژوهش در قالب گزارش توصیفی - تحلیلی ارائه شد.

۴. تحلیل یافته‌های پژوهش

۴-۱. گفتمان‌سازی تقویت و مرجعیت زبان فارسی و پاسداری از آن به‌عنوان سرمایه فرهنگی ملی در مقابل نفوذ زبان‌های بیگانه



شکل ۲: گفتمان‌سازی تقویت و مرجعیت زبان فارسی و پاسداری از آن به‌عنوان سرمایه فرهنگی ملی در مقابل نفوذ زبان‌های بیگانه

از منظر ایشان «زبان ملی» یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین شاخصه‌های هویت فرهنگی یک ملت است و در واقع تجلی ذهنیت، مذهب، آداب و سنن و تاریخ یک جامعه در آن دیده می‌شود. لذا توجه ایشان به مقوله‌ی خط و زبان فارسی تنها یک دغدغه ادبی نیست، بلکه بخشی از تلاش‌های گفتمان‌ساز ایشان برای تحکیم هویت ملی و مقابله با استعمار فرهنگی غرب به شمار می‌آید.

آیت‌الله خامنه‌ای تغییر زبان و خط مردم بومی را یکی از روش‌های استعمارگران برای نابودی هویت ملت‌ها می‌داند. به همین دلیل نسبت به غفلت از زبان فارسی و هجوم بی‌رویه واژگان بیگانه به‌ویژه انگلیسی در میان مردم هشدار می‌دهند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۰۱/۰۶). از دیدگاه ایشان، گسترش تعبیر فرنگی و حتی نوشتن نام‌های فارسی با خط لاتین بخشی از پروژه استحاله هویتی ملت‌هاست (خامنه‌ای، بیانات:

۱۳۹۲/۰۹/۱۹). آیت‌الله خامنه‌ای این گرایش به زبان بیگانه را نتیجه خودکم‌بینی می‌داند که استعمار غربی در طول دهه‌ها به ملت‌ها تزریق کرده است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۶/۱۰/۱۳). ایشان همچنین با اقداماتی مانند آموزش زود هنگام زبان انگلیسی در مدارس ابتدایی مخالفت کرده‌اند چراکه این اقدام را زمینه‌ساز انتقال فرهنگ بیگانه غربی می‌داند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۴/۰۲/۱۲). ایشان همچنین از رسانه ملی به دلیل ترویج زبان بی‌هویت و پر از تعابیر خارجی به جای ارتقای زبان معیار و صحیح انتقاد کرده‌اند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۰۲/۳۰). با این حال آیت‌الله خامنه‌ای، تنها به هشدار و انتقاد اکتفا نکرده‌اند بلکه راهکارهای عملی برای پاسداری از زبان فارسی ارائه کرده‌اند. از مهم‌ترین اقدامات گفتمان‌ساز ایشان در این راستا می‌توان به تأکید بر واژه‌سازی و پالایش زبان فارسی اشاره کرد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۰۹/۰۳). لذا آیت‌الله خامنه‌ای با گفتمان‌سازی از طریق موضوعاتی چون: هشدار نسبت به تهدیدات زبانی، ترویج واژه‌سازی بومی، نقد سیاست‌های آموزشی و رسانه‌ای مخرب زبان فارسی و تقویت خودباوری فرهنگی به دنبال تحکیم هویت ملی ایرانیان و مقابله با استعمار فرهنگی غرب بوده و هستند.

آیت‌الله خامنه‌ای با بازخوانی عقبه و ریشه تاریخی زبان فارسی نشان می‌دهند که تضعیف این زبان بخشی از سیاست‌های استعماری برای جدا کردن ملت‌ها از افتخارات و ارزش‌های خودشان بوده است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۲/۰۹/۱۹). ایشان همچنین با یادآوری جایگاه تاریخی زبان فارسی به‌عنوان «زبان علمی» از «قسطنطنیه تا شبه‌قاره هند» حس افتخار تاریخی را در جامعه زنده می‌کنند و ملت را در برابر تهاجم فرهنگی بیگانه مقاوم می‌سازند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۲/۰۹/۱۹). این بازخوانی تاریخی علاوه بر بازسازی اعتماد به نفس ملی، روشی مؤثر برای تحکیم هویت ملی ایرانیان و مقابله با استعمار فرهنگی غرب محسوب می‌شود.

آیت‌الله خامنه‌ای زبان فارسی را زبانی پر ظرفیت و توانمند می‌داند که می‌تواند دقیق‌ترین و ظریف‌ترین علوم و دانش‌ها را بیان کند و در آینده به زبان مرجع علمی در سطح جهانی تبدیل شود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۲/۰۵/۱۵). ایشان بر همین اساس با

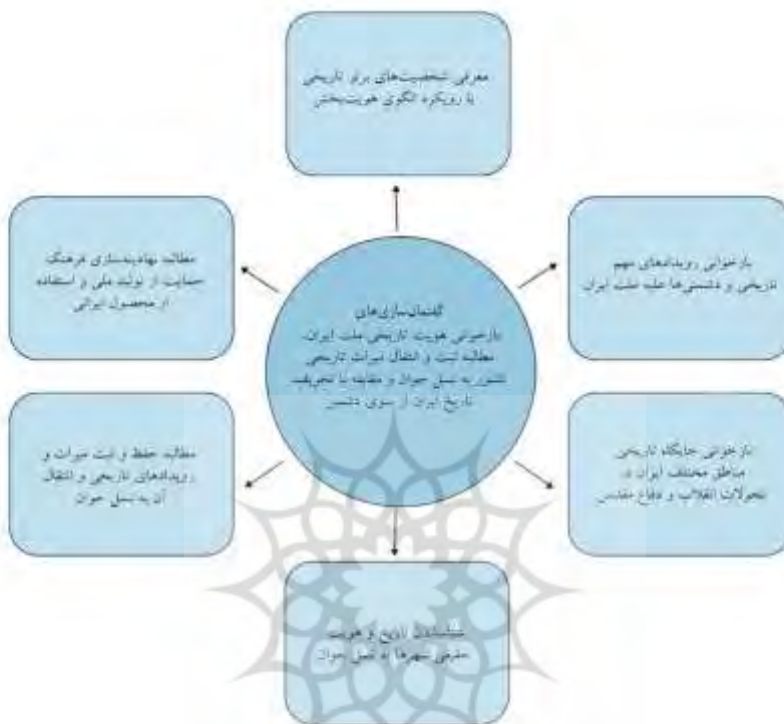
مخاطب قرار دادن نخبگان، افق مرجعیت علمی زبان فارسی را مطرح کرده‌اند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۶/۰۶/۱۲).

آیت‌الله خامنه‌ای تنها به گفتمان‌سازی پاسداری از زبان فارسی به‌مثابه سرمایه فرهنگی ملی اکتفا نکرده‌اند بلکه با مطالبه‌گری به دنبال نقش‌آفرینی دستگاه‌های مسئول در تقویت و تحکیم زبان فارسی هستند تا این گفتمان‌سازی را از سطح یک دغدغه نظری به سطح یک برنامه عملی ارتقا دهند. در همین راستا ایشان از شورای عالی انقلاب فرهنگی و دولت مطالبه می‌کنند که با پدیده نفوذ واژگان بیگانه به‌طور جدی مقابله کنند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۲/۰۹/۱۹). ایشان برای اینکه زبان فارسی دچار فرسودگی و ویرانی نشود از نهادهای ذی‌ربط مانند حوزه هنری مطالبه می‌کنند که در این زمینه تلاش کنند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۰۲/۳۰). همچنین ایشان از سفیران فرهنگی نظام اسلامی می‌خواهند که با پیگیری کرسی‌های زبان فارسی در دانشگاه‌های خارجی، به «گسترش و نفوذ زبان فارسی» در سطح جهان کمک کنند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۸/۱۲/۱۱). در واقع این مطالبه‌گری، بخشی از گفتمان‌سازی کلان آیت‌الله خامنه‌ای برای مقابله با نفوذ فرهنگی غرب و تحکیم هویت ملی ایرانیان است و نشان می‌دهد که تقویت و مرجعیت زبان فارسی و پاسداری از آن نه تنها به‌عنوان سرمایه فرهنگی ملی ضرورت دارد بلکه در مقابل نفوذ زبان‌های بیگانه یک ابزار کلیدی و مهم است.

در مجموع باید گفت در زمینه گفتمان‌سازی تقویت و مرجعیت زبان فارسی و پاسداری از آن به‌عنوان سرمایه فرهنگی ملی در مقابل نفوذ زبان‌های بیگانه، ایشان تنها به هشدار و انتقاد بسنده نکرده‌اند بلکه اقدامات ایجابی و مطالبه‌گری از نهادهای مسئول را نیز در روند گفتمان‌سازی خود دنبال کرده‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر واژه‌سازی، زبان فارسی را از هجوم واژگان بیگانه پاسداری می‌کنند و با بازخوانی جایگاه تاریخی آن، حس افتخار و اعتماد به نفس ملی را احیا می‌کنند. همچنین، با تعیین افق مرجعیت علمی در آینده، زمینه‌ای فراهم می‌کنند که نخبگان ایرانی افق و چشم‌اندازی جهانی مبتنی بر داشته‌ها و هویت خود در عرصه تولید علم و پیشرفت علمی داشته باشند.

۲-۴. گفتمان‌سازی بازخوانی هویت تاریخی ملت ایران، مطالبه ثبت و انتقال میراث

تاریخی کشور به نسل جوان و مقابله با تحریف تاریخ ایران از سوی دشمن



شکل ۳: گفتمان‌سازی بازخوانی هویت تاریخی ملت ایران، مطالبه ثبت و انتقال میراث

تاریخی کشور به نسل جوان و مقابله با تحریف تاریخ ایران از سوی دشمن

از دیدگاه ایشان «حافظه تاریخی» یکی از مؤلفه‌های ریشه‌داری ملت ایران در تاریخ است. بر اساس این مؤلفه، بازخوانی رویدادها و تحولات تاریخی فقط یادآوری گذشته نیست، بلکه ابزاری اساسی برای تقویت هویت ملی در نسل جوان است. در ادامه محورهای اصلی تلاش‌های آیت‌الله خامنه‌ای در زمینه «گفتمان‌سازی بازخوانی هویت تاریخی ملت ایران، مطالبه ثبت و انتقال میراث تاریخی کشور به نسل جوان و مقابله با تحریف تاریخ ایران از سوی دشمن» تشریح خواهد شد:

به‌عنوان نمونه، آیت‌الله خامنه‌ای حادثه‌ی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را به‌عنوان یک تجربه‌ی تاریخی بزرگ برای ملت ایران معرفی می‌کند که ملت را با تجربه‌ها آمیخته و مانع از خطا

و اشتباه دید آن می‌شود. از دیدگاه ایشان بازخوانی تاریخی فقط یادآوری یک واقعه‌ی گذشته نیست بلکه یادآوری یک درس عملی برای ملت است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۴/۰۸/۱۲). ایشان همچنین با بازخوانی نهضت پانزده خرداد ۱۳۴۲ نمونه‌ای از پیوند مردم با روحانیت را بیان و اشاره می‌کنند که این پیوند ضامن پیشرفت نهضت و پیروزی ملت است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۴/۰۳/۱۴). آیت‌الله خامنه‌ای با بازخوانی قیام نوزدهم دی ۱۳۵۶ نشان می‌دهند که هوشیاری، فهم تاریخی و درک درست تهدیدها، نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت ملت دارد و حوادثی مانند این قیام، نشان‌دهنده هویت انقلابی مردم ایران است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۷/۱۰/۱۹). علاوه بر این، آیت‌الله خامنه‌ای توجه ویژه‌ای به آشکارسازی دشمنی‌ها و اقدامات خصمانه علیه ملت ایران دارند. ایشان با مرور و بازخوانی دقیق تاریخی حوادثی مانند کشتار هفدهم شهریور ۱۳۵۷، حمله‌ی نظامی صدام در شهریور ۱۳۵۹ و ترور شخصیت‌های ملی و مذهبی در شهریورماه ۱۳۶۰ نشان می‌دهند که ملت ایران همواره در برابر فشارها، سرکوب‌ها و توطئه‌های داخلی و خارجی مقاومت کرده است. این بازخوانی‌ها آگاهی مردم نسبت به دشمن و توطئه‌هایش را افزایش داده و در نتیجه حس تعلق و هویت ملی را تقویت می‌کند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۴/۰۶/۱۸)؛ بنابراین آیت‌الله خامنه‌ای با بازخوانی رویدادهای تاریخی مهم و ذکر دشمنی‌ها و فشارهایی که ملت ایران طی دهه‌های گذشته تجربه کرده، تلاش کرده‌اند آگاهی و بصیرت تاریخی مردم را نسبت به گذشته ایران و عقبه‌های هویتی خود افزایش دهند. این بازخوانی‌ها نه تنها حافظه تاریخی را زنده نگه می‌دارد، بلکه به مردم یادآوری می‌کند که هویت ملی آن‌ها با مقاومت و ایستادگی پیوند خورده است.

آیت‌الله خامنه‌ای بارها با تأکید بر استقامت و شجاعت مردم استان‌ها و شهرهای مختلف، جایگاه تاریخی مردم و مناطق مختلف ایران در انقلاب و دفاع مقدس را بازخوانی کرده‌اند؛ چراکه با یادآوری این مقاومت‌ها، نسل جدید آگاه می‌شود که ایران کشوری است با پیشینه تاریخی مقاومت و ایستادگی و این باعث می‌شود حس تعلق و افتخار ملی در آن‌ها تقویت شود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۰/۰۱/۰۸؛ ۱۴۰۳/۰۷/۱۵؛ ۱۳۸۶/۱۰/۱۲؛ ۱۴۰۰/۰۸/۳۰).

اقدام گفتمان‌ساز دیگر آیت‌الله خامنه‌ای حفظ میراث و حافظه تاریخی ملت ایران و تلاش برای انتقال آن به نسل جوان کشور است. ایشان پیوسته هشدار داده‌اند که فراموشی حوادث گذشته، به‌ویژه در نسل جوان، می‌تواند در شناخت کشور و آینده دچار اشتباه ایجاد کند و نسل جدید را از درک ریشه‌ها و ارزش‌های ملی محروم سازد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۴/۰۶/۱۸). از این‌رو، ثبت و انتقال رویدادهای تاریخی به نسل جوان یک مطالبه‌ی جدی از سوی ایشان است چراکه این امر موجب غنی شدن حافظه جمعی ملت و تقویت حس مسئولیت و تعلق به هویت ملی در نسل جوان می‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای در نمونه‌های متعدد بر ثبت خاطرات و رویدادهای تاریخی در حافظه‌ی تاریخی ملت ایران تأکید کرده و می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵). در نمونه‌ای دیگر ایشان بر ضرورت حفظ و مقایسه تاریخ مردم گر در دوره پهلوی و جمهوری اسلامی تصریح می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۲/۰۸/۰۳). یکی از مطالبات دیگر ایشان در این زمینه، ثبت و بازنمایی تجربیات اسارت در قالب تولید آثار هنری فاخر است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۱/۰۵/۲۵). حفظ مناسبت‌های ملی و تاریخی یکی دیگر از مطالبات ایشان است. از دیدگاه ایشان مناسبت‌هایی مانند ۱۳ آبان یا قیام نوزدهم دی، تجربه‌های تاریخی ملت ایران هستند و نباید به فراموشی سپرده شوند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲؛ ۱۳۹۱/۱۰/۱۹). در کنار این اقدامات، آیت‌الله خامنه‌ای بر مسئولیت دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی برای تولید کتاب، آثار هنری و محتوای رسانه‌ای تأکید دارند تا نسل جوان از خوراک فکری غنی برای آشنایی با تاریخ انقلاب، دفاع مقدس، مشروطیت و شخصیت امام خمینی (ره) بهره‌مند شود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۰۲/۲۴)؛ بنابراین آیت‌الله خامنه‌ای حفظ و ثبت میراث و رویدادهای تاریخی و انتقال آن به نسل جوان را یک وظیفه ملی می‌داند که نقش مهمی برای تکمیل هویت ملی ایفا می‌کند. ایشان هشدار می‌دهند که فراموشی گذشته به‌ویژه در نسل جوان می‌تواند موجب خطا در فهم وضعیت موجود و تصمیم‌گیری نادرست درباره آینده شود. از این‌رو، ایشان بر مطالبه‌گری در زمینه حفظ وقایع تاریخی مانند مقاومت مردم آذربایجان، خاطرات دوران اسارت، نگه‌داشتن مناسبت‌های ملی و تاریخی و تولید آثار هنری و رسانه‌ای درباره انقلاب اسلامی و دفاع

مقدس تأکید دارند. این اقدامات، علاوه بر ثبت تاریخ، موجب تقویت حس مسئولیت و تعلق به هویت ملی در نسل جوان می‌شود.

بازخوانی تاریخ و قهرمانی‌های یک ملت، یکی از راه‌های تقویت حس تعلق خاطر به هویت ملی است. آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود بر اهمیت شناساندن تاریخ و شناسنامه شهرها به نسل جوان تأکید دارند و بیان اجمالی پیشینه تاریخی و فرهنگی هر منطقه را زمینه‌ای برای تقویت احساس هویت و شخصیت مردم می‌دانند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۳/۰۴/۱۵). ایشان همچنین بر لزوم شناخت دقیق شناسنامه هر شهر برای آگاهی از ارزش و جایگاه خود تصریح کرده‌اند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۶/۱۰/۱۲). آیت‌الله خامنه‌ای تأکید می‌کنند که تکیه بر افتخارات گذشته به معنای توقف در گذشته نیست بلکه باید به‌عنوان محرکی برای حرکت به سوی افتخارات جدید مورد استفاده قرار گیرد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۲/۰۳/۲۲)؛ بنابراین آیت‌الله خامنه‌ای با بازخوانی تاریخ و شناساندن شناسنامه شهرها، زمینه‌ساز تقویت احساس افتخار و هویت ملی در مردم می‌شوند. از دیدگاه ایشان، تکیه بر افتخارات گذشته به معنای توقف در تاریخ نیست بلکه انگیزه‌ای برای دستیابی به افتخارات تازه به سمت کمال است.

آیت‌الله خامنه‌ای به اهمیت معرفی شخصیت‌های برتر تاریخی با رویکرد الگوی هویت‌بخش نیز تأکید کرده‌اند. ایشان تصریح می‌کنند که روحیه بسیج‌پروری مانند ورود در میدان، نترسیدن و سینه‌به‌سینه شدن با دشمن مختص دوران انقلاب اسلامی نیست بلکه نمونه‌های برجسته‌ای از حرکت‌های بسیجی و مبارزاتی در دوران تاریخ معاصر وجود داشته است. این بازخوانی تاریخی نشان می‌دهد روحیه بسیجی که برخاسته از روحیه استقلال‌طلبی و ایستادگی و استقامت است، یک مؤلفه در هویت ایرانی - اسلامی است که در هر دوره تاریخی با چهره‌هایی جدید تجلی پیدا کرده و امروز نیز می‌تواند به‌عنوان الگویی برای مقاومت و دفاع از منافع ملی در برابر سلطه‌طلبی‌ها مورد استفاده قرار گیرد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۱/۰۹/۰۵). ایشان با معرفی امیرکبیر به‌عنوان یکی از شخصیت‌های افتخارآفرین تاریخ ایران، او را به‌عنوان الگویی الهام‌بخش برای مدیران نسل امروز معرفی می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۳/۰۳/۲۷). همچنین آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به طیف

گسترده فعالیت‌های بانوی مبارز مرحوم خانم مرضیه دباغ تأکید می‌کنند که زنان می‌توانند نقش محوری در مبارزات ایفا کنند و ایشان را به‌عنوان الگو برای زن مسلمان مطرح می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۲/۰۷/۰۵). در بخش فرهنگ و ادب نیز ایشان شاعران برجسته ایرانی مانند ناصر خسرو، نظامی گنجوی، خاقانی، مولوی و سعدی را نه‌تنها نماد فرهنگ ملی بلکه به‌عنوان الگوهای اخلاقی و فرهنگی برای نسل جوان معرفی می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۲/۰۱/۱۶). بر اساس این بیانات، می‌توان نتیجه گرفت که معرفی شخصیت‌هایی مانند امیرکبیر، مبارزان مشروطه، مبارزان با استعمار، بانوان مبارزی چون مرضیه دباغ و شعرای برجسته از سوی آیت‌الله خامنه‌ای، فقط بازخوانی تاریخ نیست بلکه چون این شخصیت‌ها با رفتار خود، مؤلفه‌های هویت‌بخش نظیر روحیه مقاومت و ایستادگی، استقلال‌طلبی و آرمان‌ها و ارزش‌های اخلاقی را متجلی کردند می‌توانند به‌عنوان الگوهایی برای نسل امروز مطرح شوند. آیت‌الله خامنه‌ای پیوسته تصریح کرده‌اند که جریان باطل به کتمان و کم‌رنگ‌سازی ایام‌الله می‌پردازد. از دیدگاه ایشان، آگاهی‌بخشی درباره اهداف جریان باطل و حفظ، زنده نگاه‌داشتن ایام‌الله و انتقال آن به نسل جوان از نخستین گام‌ها در مقابله فرهنگی با استعمار غرب و جریان باطل محسوب می‌شود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۱/۱۰/۱۹). یکی از اقدامات مهم آیت‌الله خامنه‌ای در مقابله با تحریف تاریخ و استعمار فرهنگی غرب، افشاگری درباره تلاش دشمن برای تحریف رخدادهای تاریخی است. ایشان با روشن کردن حقایق تاریخی و بیان جزئیات دقیق رخدادهای، مانع از این می‌شوند که جریان‌های معارض حرکت‌های انقلابی را مورد انکار و تردید و تحریف قرار دهند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲). یکی از اقدامات دیگر آیت‌الله خامنه‌ای، توصیه مکرر جوانان به مطالعه تاریخ معاصر و اسناد تاریخی به‌عنوان روشی برای مقابله با تحریف و شناخت ترفندهای دشمن است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۰/۰۸/۲۰). بر این اساس ایشان تحریف تاریخ را یکی از ابزارهای استعمار فرهنگی غرب برای تضعیف هویت و استقلال ملت‌ها معرفی می‌کنند و با آگاهی‌بخشی در مورد راهبرد جریان باطل برای کتمان ایام‌الله، افشای تحریف‌های تاریخی و توصیه به مطالعه تاریخ معاصر، زمینه را برای مقابله با استعمار فرهنگی فراهم کرده‌اند. در واقع این اقدامات

باعث می‌شود که حافظه تاریخی ملت ایران، دستخوش تحریف دشمن نشود و نسل جوان با آگاهی از گذشته خود، توان مقابله با نفوذ فرهنگی استعمار غرب را داشته باشد.

نکته پایانی اینکه بازخوانی هویت تاریخی ملت ایران از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای تنها یادآوری گذشته نیست، بلکه راهی برای تقویت هویت ملی ایرانیان، به‌خصوص نسل جوان است. ایشان با تأکید بر بازخوانی وقایع مهمی مانند کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ تلاش می‌کنند پیوند میان مردم و روحانیت و اندیشه و روحیه مقاومت را در ملت ایران زنده نگه دارند. همچنین با یادآوری نقش مناطق مختلف در انقلاب و دفاع مقدس و معرفی شخصیت‌هایی مانند امیرکبیر و علمای مبارزه با استبداد و استعمار به‌عنوان الگوهای هویت‌بخش، حس افتخار و ریشه‌داری تاریخی را تقویت می‌کنند. از دیگر تأکیدات ایشان مقابله با تحریف تاریخ و آگاهی‌بخشی به جوانان با جهت‌گیری تقویت و تعمیق هویت ملی در مقابل غرب استعماری است.

۳-۴. گفتمان‌سازی تقویت اعتمادبه‌نفس ملی و روحیه‌ی ما می‌توانیم و مقابله با

تزریق خودکم‌بینی توسط غرب استعماری



شکل ۴: گفتمان‌سازی تقویت اعتمادبه‌نفس ملی و روحیه‌ی ما می‌توانیم و مقابله با تزریق

خودکم‌بینی توسط غرب استعماری

در نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای اعتمادبه‌نفس ملی یکی از مؤلفه‌های هویت ملی به‌شمار می‌آید. ایشان پیشرفت‌های ملی کشور را حاصل اعتمادبه‌نفسی می‌دانند که از احیای

هویت ملی توسط انقلاب اسلامی نشأت گرفته است. لذا در دیدگاه ایشان اعتمادبه‌نفس ملی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های هویت ملی، نقش مؤثری در پیشرفت کشور و ارتقای جایگاه ملت در عرصه‌های بین‌المللی دارد. آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اهمیت این مؤلفه، آن را نه تنها عامل ارتقای خودباوری و خوداتکایی ملت، بلکه زمینه‌ساز تقویت هویت ملی و مقابله با تزریق خودکم‌بینی توسط دشمنان استعمارگر می‌داند. در ادامه به تشریح محورهای اصلی اقدامات آیت‌الله خامنه‌ای در گفتمان‌سازی تقویت اعتمادبه‌نفس ملی و روحیه ما می‌توانیم و مقابله با تزریق خودکم‌بینی توسط غرب استعماری پرداخته می‌شود:

یکی از اقدامات آیت‌الله خامنه‌ای برای تبیین جایگاه راهبردی اعتمادبه‌نفس ملی در پیشرفت کشور، معرفی اعتمادبه‌نفس ملی به‌عنوان شاخصی کلیدی برای پیشرفت و حضور فعال ملت در عرصه‌های بین‌المللی است. ایشان تقویت روحیه خودباوری ملی را عامل ارتقای جایگاه کشور در عرصه‌های علمی و سیاسی معرفی کرده و در همین راستا حس عزت و تعلق جمعی به هویت ملی را در میان مردم تقویت می‌کنند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۱/۰۷/۲۲). از دیدگاه ایشان پیشرفت نه تنها در عرصه سیاست بین‌الملل بلکه در عرصه‌های گوناگون چون علمی و صنعتی معلول اعتمادبه‌نفس است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۰/۰۳/۱۴). آیت‌الله خامنه‌ای همچنین تأکید می‌کنند که اعتمادبه‌نفس موجب کاهش وابستگی می‌شود و ملت را به خوداتکایی می‌رساند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۰۳/۰۷). در همین زمینه آیت‌الله خامنه‌ای مسیر پیشرفت کشور را به مسابقه دوندگی تشبیه می‌کنند و معتقدند اعتمادبه‌نفس ملی علاوه بر نیروی محرک اولیه پیشرفت، برای استمرار آن نیز ضروری است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۶/۱۰/۱۳)؛ بنابراین آیت‌الله خامنه‌ای با تبیین اعتمادبه‌نفس ملی به‌عنوان رکن اساسی پیشرفت و استقلال کشور، آن را نه تنها موجب ارتقای جایگاه کشور در عرصه‌های بین‌المللی بلکه عامل اصلی پیشرفت در عرصه‌های گوناگون صنعتی و علمی می‌دانند. ایشان معتقدند که اعتمادبه‌نفس ملی، مسیر وابستگی را می‌بندد و ملت را به خوداتکایی می‌رساند. در واقع اعتمادبه‌نفس ملی، حس تعلق و خوداتکایی را در مردم افزایش می‌دهد و در نتیجه هویت ملی تحکیم می‌یابد.

آیت‌الله خامنه‌ای با ارائه مجموعه‌ای از راهکارها، زمینه‌ی ایجاد و تقویت اعتمادبه‌نفس ملی و تحکیم هویت ملی ایرانیان را فراهم کرده‌اند. ایشان انقلاب اسلامی را به‌عنوان عاملی برای ایجاد خودباوری ملی در ملت ایران معرفی کرده و تأکید دارند که انقلاب اسلامی گزاره «نمی‌توانیم» را متزلزل و آن را با گزاره «می‌توانیم» جایگزین کرده است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵). آیت‌الله خامنه‌ای با بیان دستاوردهای ملی در عرصه‌های مانند نظامی، صنعتی، پزشکی، هسته‌ای و... روحیه خودباوری را در ملت ایران تقویت می‌کنند. این خودباوری، به‌عنوان یک مؤلفه، هویت ملی را تقویت می‌کند زیرا ملت به خود افتخار می‌کند و خود را جزئی از مسیر تاریخی موفقیت کشور می‌داند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۲/۱۱/۲۹). ایشان با ارائه تجربه‌های موفق و پیروزی‌های ملت ایران مانند دفاع مقدس به تقویت احساس توانمندی در میان مردم پرداخته و زمینه‌ساز تعمیق و تقویت روحیه «ما می‌توانیم» را دنبال کرده‌اند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۸/۰۶/۲۹). یکی دیگر از رویکردهای گفتمان‌ساز ایشان در این زمینه معرفی مفاخر تاریخی و فرهنگی ایران است که زمینه ایجاد حس افتخار و اعتمادبه‌نفس را فراهم می‌کند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۷/۰۲/۱۸). راهکار دیگر ایشان تأکید بر استفاده از ظرفیت‌های مادی، انسانی و طبیعی کشور است که به‌عنوان منبع تقویت اعتمادبه‌نفس ملی است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). در این زمینه، یک نمونه بهره‌گیری از ظرفیت‌های مادی و انسانی کشور از سوی آیت‌الله خامنه‌ای، طرح و تبیین و پیگیری موضوع اقتصاد مقاومتی است که آن را به‌عنوان عاملی برای تقویت اعتمادبه‌نفس ملی معرفی می‌کنند که از طریق اتکا به ظرفیت‌ها و توان داخلی و کاهش وابستگی اقتصادی به دیگران باعث تقویت اعتمادبه‌نفس ملی می‌شود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۳/۰۲/۲۳). همچنین از دیدگاه ایشان ورزش قهرمانی به‌عنوان نماد توانایی‌های ملی، نقش برجسته‌ای در تقویت اعتمادبه‌نفس ملی ایفا می‌کند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۱/۱۲/۲۱). لذا آیت‌الله خامنه‌ای با اقداماتی چون «بازخوانی تاریخ و معرفی مفاخر ملی»، «تقویت خودباوری در عرصه‌های علمی، صنعتی و دفاعی»، «ترویج روحیه ما می‌توانیم» و «تأکید بر بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی»، اعتمادبه‌نفس ملی را تقویت و زمینه تحکیم هویت ملی را فراهم می‌کنند.

از سوی دیگر آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر نهادینه‌سازی اعتمادبه‌نفس ملی، این هدف را از طریق طرح و پیگیری مجموعه‌ای از مطالبات دنبال می‌کند. ایشان به تخریب فرهنگی و تضعیف اعتمادبه‌نفس ملی توسط دشمنان اشاره کرده و از دستگاه‌های رسمی فرهنگی کشور می‌خواهند وظیفه خود را در مقابله با این تخریب فرهنگی انجام دهند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۳/۰۱/۰۱). یکی دیگر از مطالبات ایشان در این زمینه، تأکید بر تربیت نسل جدید با برخورداری از اعتمادبه‌نفس ملی از کودکی تا دانشگاه است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۱/۰۷/۲۰). در این جهت یکی از وظایف اساتید و دستگاه‌های مدیریتی را ترویج خودباوری و اعتمادبه‌نفس ملی می‌دانند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۷/۰۷/۰۳). آیت‌الله خامنه‌ای همچنین با اشاره به دو نوع مواجهه‌ی انسان‌ها در برابر مشکلات، تقویت روحیه‌ی «ما می‌توانیم» را در سطح مدیریتی کشور مطالبه می‌کند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۰۴/۲۴)؛ بنابراین آیت‌الله خامنه‌ای دستگاه‌های فرهنگی، اساتید و مدیران آموزشی را موظف می‌داند که از کودکی تا دانشگاه، اعتمادبه‌نفس ملی را در نسل جوان ترویج کنند. ایشان تأکید دارند که دستگاه‌های فرهنگی باید با تهاجم در برابر تضعیف اعتمادبه‌نفس ملی مقابله کنند. همچنین، ایشان از مدیران دولتی می‌خواهند که در مواجهه با مشکلات، روحیه‌ی «ما می‌توانیم» و «حتماً اقدام می‌کنیم» داشته باشند.

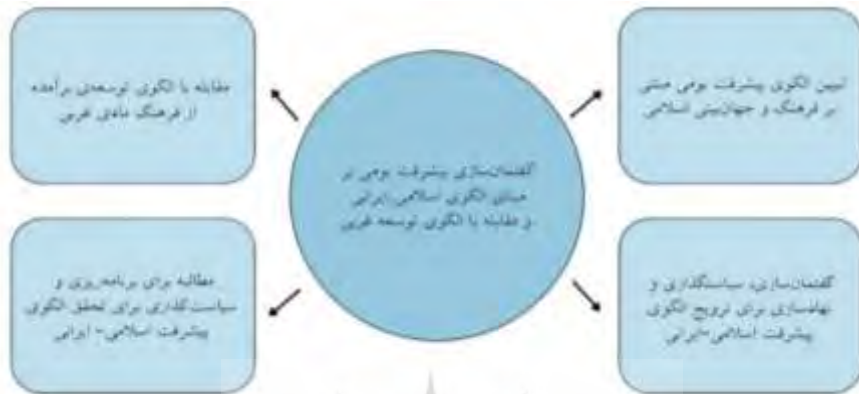
یکی دیگر از اقدامات گفتمان‌ساز آیت‌الله خامنه‌ای در این زمینه، مقابله با تهدیدهای نرم علیه اعتمادبه‌نفس ملی ایرانیان است. ایشان تصریح می‌کنند که یکی از ابزارهای مؤثر دشمنان برای تسلط بر ملت‌ها، تلقین گزاره «نمی‌توانید» به آن‌ها است؛ سیاستی که با ایجاد احساس وابستگی و بی‌اعتمادی به توان داخلی ملت‌ها آن‌ها را به پذیرش سلطه سوق می‌دهد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۲/۰۳/۱۴). ایشان با بازخوانی تاریخچه تحقیر ملت ایران در دوره‌های قاجار و پهلوی نشان می‌دهند که دشمن طی سال‌ها با تزریق روحیه ناتوانی، وابستگی و بی‌اعتمادی به توانمندی‌های داخلی، تلاش کرده اعتمادبه‌نفس ملی را از ملت ایران بگیرد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۰۷/۲۸). ایشان همچنین القای احساس «نمی‌شود» و «نمی‌توانیم» را به‌عنوان تاکتیک جنگ روانی دشمن علیه مسئولان کشور معرفی کرده و به مقابله با آن می‌پردازند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۶/۰۱/۲۰). در مقابل این تلاش‌ها، آیت‌الله

خامنه‌ای نسبت به عدم آگاهی مردم و مسئولان از ثروت‌های انسانی و طبیعی کشور هشدار می‌دهند و تأکید می‌کنند که دشمن از این ناآگاهی برای تضعیف اعتمادبه‌نفس ملی بهره‌برداری می‌کند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۰۱/۰۱). ایشان همچنین بر حفظ اعتمادبه‌نفس ملی و باور به توانمندی‌های داخلی تأکید دارند و نمونه‌های موفقیت ملت ایران در عرصه‌های گوناگون را شاهد و مؤید این توانمندی‌ها می‌دانند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۲/۰۵/۱۵). لذا آیت‌الله خامنه‌ای از طریق اقداماتی مانند: «بازخوانی تاریخچه تزریق روحیه ناتوانی»، «آگاه‌سازی نسبت به تاکتیک‌های دشمن» و «بیان مکرر ظرفیت‌ها و دستاوردهای داخلی» اقدام به مقابله با تزریق خودکم‌بینی توسط غرب استعماری می‌کنند. این اقدامات تبیینی و گفت‌وگوساز در نوع خود باعث تحکیم و نهادینه شدن روحیه اعتمادبه‌نفس ملی می‌شود.

نکته پایانی اینکه آیت‌الله خامنه‌ای با تقویت اعتمادبه‌نفس ملی و ترویج روحیه «ما می‌توانیم»، زمینه تحکیم هویت ملی ایرانیان را فراهم می‌کنند. بازخوانی تاریخ و معرفی مفاخر ملی، بیان دستاوردهای علمی، صنعتی، دفاعی و ورزشی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی، حس تعلق و خودباوری را در مردم تقویت می‌کند. همچنین، آگاه‌سازی نسبت به تاکتیک‌های دشمن برای القای «نمی‌توانید» و نهادینه‌سازی اعتمادبه‌نفس از کودکی تا دانشگاه، مقاومت فرهنگی و روانی ملت در برابر تحریف و استعمار فرهنگی غرب را افزایش می‌دهد. به این ترتیب، ایشان با گفت‌وگوسازی تقویت اعتمادبه‌نفس ملی و روحیه ما می‌توانیم و مقابله با تزریق خودکم‌بینی توسط غرب استعماری، اعتمادبه‌نفس ملی را به یک جریان عمومی تبدیل کرده و هویت ملی را تحکیم می‌بخشند.

۴-۴. گفتمان‌سازی پیشرفت بومی بر مبنای الگوی ایرانی - اسلامی و مقابله با

الگوی توسعه غربی



شکل ۵: گفتمان‌سازی پیشرفت بومی بر مبنای الگوی ایرانی - اسلامی و مقابله با الگوی

توسعه غربی

از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، هویت ملی، اساس هر پیشرفتی است و بدون توجه به سه عنصر اصلی اسلام، ریشه‌داری در تاریخ و انقلاب، پیشرفت حقیقی محقق نخواهد شد. ایشان تأکید می‌کنند که سرانجام پیشرفت‌های مادی بدون حفظ هویت ملی، بی‌هویتی و وابستگی فرهنگی است. از این رو به الگوی توسعه غربی نقد اساسی و بنیادین دارند و در مقابل این الگو و هویت‌زدایی ناشی از آن، گفتمان‌سازی پیشرفت بومی مبتنی بر الگوی اسلامی - ایرانی را دنبال می‌کنند. در ادامه محورهای اصلی «گفتمان‌سازی پیشرفت بومی مبتنی بر الگوی اسلامی - ایرانی» از سوی ایشان تشریح خواهد شد:

هویت ملی از منظر ایشان بر سه رکن اساسی اسلام، ریشه‌داری در تاریخ و انقلاب استوار است. ایشان در عین حال، هویت ملی را اساس هر پیشرفتی می‌دانند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۵/۰۸/۱۸). ایشان تأکید می‌کنند که مواردی همچون صنعتی شدن، پیشرفت علمی، فناوری، خدمات و بهداشت اگر همراه با حفظ هویت ملی نباشد، پیشرفت حقیقی به شمار نمی‌آید و از این جهت به الگوی توسعه غربی نقد جدی دارند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۵/۰۸/۱۸). از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای اگرچه برخی جوامع پیشرفت‌های مادی

داشته‌اند اما این پیشرفت‌های مادی منجر به رسیدن به پیشرفت حقیقی آن‌ها نشده است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۰۲/۰۶). لذا ایشان بر ضرورت تدوین الگوی پیشرفت بومی تأکید دارند، الگویی که مبتنی بر فرهنگ و جهان‌بینی اسلامی باشد و مؤلفه‌های اسلامی بودن هویت ملی مانند آرمان‌های معنوی و اخلاقی و فرهنگ اسلامی را در مسیر پیشرفت دنبال کند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۶/۰۲/۲۵). یکی دیگر از شاخص‌هایی که ایشان برای تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بر روی آن تأکید دارند، مستقل بودن الگوی پیشرفت کشور است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۸/۰۲/۲۷). آیت‌الله خامنه‌ای همچنین بر لزوم تدوین الگویی تأکید دارند که متناسب با عنصر ریشه‌داری ایرانیان در تاریخ باشد. به طوری که از دیدگاه ایشان، تحقق الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی بدون توجه به مؤلفه‌های این عنصر مانند تاریخ، جغرافیا، آداب و سنن قابل تحقق نیست (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۰۲/۰۶)؛ بنابراین از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، پیشرفت حقیقی تنها زمانی محقق می‌شود که عناصر اصلی هویت ملی در آن مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس الگوی پیشرفت کشور باید مبتنی بر فرهنگ و جهان‌بینی اسلامی، مستقل و متناسب با ریشه‌ها و عقبه تاریخی کشور باشد.

یکی از اقدامات آیت‌الله خامنه‌ای برای تحکیم هویت ملی در این عرصه، گفتمان‌سازی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در میان نخبگان است. این گفتمان‌سازی وسیله‌ای برای نهادینه کردن مفاهیم الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و ایجاد جریان عمومی برای تحقق عملی این الگوی مستقل و برآمده از هویت ملی است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۹/۰۹/۱۰). علاوه بر این، ایشان بر ضرورت استمرار نشست‌ها و تشکیل حلقه‌های علمی برای ترویج الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت تأکید دارند که نشان‌دهنده سیاست‌گذاری ایشان برای تثبیت این گفتمان است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۹/۰۹/۱۰). آیت‌الله خامنه‌ای با هدف اینکه گفتمان‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در زمینه الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی به طور مستمر و هدفمند ادامه پیدا کرده و پیگیری شود، بر ضرورت ایجاد مرکزی ستادی برای نظارت، پشتیبانی و استمرار حرکت نخبگانی در این زمینه تأکید می‌کند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۹/۰۹/۱۰)؛ بنابراین، آیت‌الله خامنه‌ای با گفتمان‌سازی در میان نخبگان برای ایجاد یک

جریان عمومی، تأکید بر مسئولیت دانشگاه‌ها و اساتید برای تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، سیاست‌گذاری برای استمرار نشست‌ها و حلقه‌های علمی و نهادسازی از طریق ایجاد مراکز ستادی، الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی را ترویج و گفتمان‌سازی کرده و زمینه طراحی و تحقق این الگو را از منظر تقویت هویت ملی فراهم ساخته‌اند.

علاوه بر موارد پیشین، آیت‌الله خامنه‌ای با مطالبه‌گری از نهادهای مربوطه فرایند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای تحقق الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی را نیز پیگیری می‌کند. در همین راستا ایشان دانشگاه‌ها و اساتید را به‌عنوان مسئول در پیدا کردن و تدوین الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت معرفی می‌کنند و آن‌ها را مسئول پیشبرد این گفتمان می‌دانند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۶/۰۳/۳۱). همچنین ایشان به صاحبان فکر مأموریت می‌دهند تا برای تحقق عملی پیشرفت ایرانی - اسلامی آن را مدل‌سازی علمی کنند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۸/۰۲/۲۷). موضوع دیگر مطالبه‌گری آیت‌الله خامنه‌ای از قوای سه‌گانه کشور برای تدوین این الگوست. ایشان تأکید می‌کنند که برنامه‌ریزی‌های کلان باید بر اساس رشد و بالندگی انسان‌ها در چارچوب ارزش‌های اسلامی و انقلابی انجام شود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۷/۱۰/۲۱). ایشان همچنین بر ضرورت طراحی و تدوین این الگو به‌وسیله دولت تأکید و اشاره می‌کنند که باید از ظرفیت افراد متفکر و صاحب‌نظر برای تدوین آن استفاده شود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۸/۰۶/۱۶). علاوه بر این، ایشان تأکید بر بهره‌گیری از ظرفیت فرزندان، نخبگان و دانشمندان و تشکیل حلقه‌های فکری برای پیشبرد الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی دارند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۹/۰۹/۱۰)؛ بنابراین آیت‌الله خامنه‌ای با ادبیات‌سازی حول موضوع برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری تحقق این الگوی بومی و برآمده از هویت ملی، مطالبه‌گری از نهادهای مرتبط و نیز استفاده از ظرفیت نخبگان و دانشگاه‌ها، فرایند تدوین و تحقق الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی را هدایت کرده و تکمیل و تقویت می‌کنند.

آیت‌الله خامنه‌ای، علاوه بر اقداماتی که برای تکمیل هویت ملی در عرصه‌ی گفتمان‌سازی پیشرفت بومی بر مبنای الگوی اسلامی - ایرانی انجام داده‌اند، برای مقابله با الگوی توسعه‌ی برآمده از فرهنگ مادی غربی نیز اقدامات مشخصی را دنبال کرده‌اند.

ایشان برای معرفی الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت، واژه «پیشرفت» را به‌عنوان جایگزین واژه «توسعه» استفاده کرده‌اند؛ چراکه کلمه «توسعه» را «یک کلمه‌ی غربی» و دارای «یک مفهوم غربی» می‌دانند. این اقدام، نمونه‌ای از رویکرد و تلاش ایشان برای تقویت بعد هویت ملی در زمینه‌ی پیشرفت کشور است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۶/۰۳/۳۱). ایشان بر رد تقلید و ترجمه‌گرایی صرف به‌جای تولید علم و مدل‌سازی بومی به‌عنوان پیشرفت واقعی تأکید کرده و بر تفکیک پیشرفت تقلیدی و غربی شدن با پیشرفت حقیقی تأکید کرده‌اند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۵/۰۸/۱۸). یکی دیگر از اقدامات ایشان در این زمینه، نقد الگوهای رایج توسعه مبتنی بر مبنای اومانیستی و غربی است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۵/۰۲/۰۶). بر همین اساس، آیت‌الله خامنه‌ای تأکید دارند نسخه‌های پیشرفت آمریکایی و اروپایی، هیچ‌یک نمی‌توانند الگوی مطلوب پیشرفت بومی را برای ما تأمین کنند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۸/۰۲/۲۷). بنا بر آنچه گفته شد آیت‌الله خامنه‌ای مجموعه اقداماتی را شامل مواردی مانند مطالبه‌گری از نهادهای مسئول برای تدوین و اجرای الگو، فعال‌سازی نخبگان و دانشگاه‌ها برای مدل‌سازی علمی پیشرفت، تشکیل حلقه‌های فکری و مراکز ستادی برای استمرار و نظارت، جایگزینی واژه‌ها برای مقابله با نفوذ فرهنگی غرب و نقد الگوهای توسعه غربی در زمینه تقویت هویت ملی ایران در عرصه پیشرفت ملی دنبال کرده و می‌کنند. اقداماتی که موجب نهادینه شدن گفتمان پیشرفت بومی، تقویت هویت و فرهنگ ملی و فراهم شدن زمینه پیشرفت مستقل می‌شود.

درنهایت می‌توان گفت گفتمان‌سازی آیت‌الله خامنه‌ای حول پیشرفت بومی بر مبنای الگوی اسلامی - ایرانی و مقابله با الگوی توسعه غربی، یک راهبرد اساسی برای تحکیم هویت ملی در مقابل الگوی توسعه غربی است.

۴-۵. گفتمان‌سازی تربیت و آموزش نسل جوانِ هویت‌گرا و مقابله با نفوذ فرهنگی

غرب در تعلیم و تربیت کشور



شکل ۶: گفتمان‌سازی تربیت و آموزش نسل جوانِ هویت‌گرا و مقابله با نفوذ فرهنگی غرب در تعلیم و تربیت کشور

در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، نظام آموزشی از مدرسه تا دانشگاه نقشی محوری در شکل‌گیری هویت نسل جوان ایفا می‌کند. به همین دلیل ایشان با گفتمان‌سازی تربیت و آموزش نسل جوانِ هویت‌گرا و مقابله با نفوذ فرهنگی غرب در تعلیم و تربیت کشور را به‌عنوان رویکردی کلیدی در تعمیق و تقویت هویت ملی دنبال می‌کنند. ایشان با مطالبه‌گری از نظام آموزشی، مؤلفه‌های هویت ملی را به‌عنوان محور اصلی سیاست‌های آموزشی قلمداد کرده‌اند. در ادامه محورهای اصلی گفتمان‌سازی تربیت و آموزش نسل جوانِ هویت‌گرا و مقابله با نفوذ فرهنگی غرب در تعلیم و تربیت کشور تشریح می‌شود:

آیت‌الله خامنه‌ای دوازده سال تحصیل دانش‌آموزان را، فرصتی بی‌بدیل برای نهادینه‌سازی هویت ایرانی - اسلامی می‌دانند و از مسئولان آموزش و پرورش مطالبه می‌کنند که این فرصت را به‌درستی غنیمت بشمارند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۷/۰۲/۱۹). ایشان مکرراً بر این نکته تأکید کرده‌اند که نقش معلمان و اساتید دانشگاه فراتر از انتقال صرف دانش است و آن‌ها در شکل‌دهی و تقویت هویت ملی نسل جوان نقش تعیین‌کننده‌ای دارند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۱/۰۲/۲۱). ایشان معلمان را به‌عنوان عاملان اصلی نهادینه‌سازی هویت ملی معرفی کرده‌اند؛ بنابراین یکی از ابعاد مطالبه‌گری ایشان

تأکید بر لزوم آشنا کردن نسل جوان با داشته‌ها و پیروزی‌های کشور و نیز خطرات و دشمنی‌ها توسط معلمان است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲). ایشان همچنین بر ضرورت ایجاد دل‌بستگی و حس تعلق به نمادهای هویت ملی مانند زبان فارسی و پرچم ایران در دانش‌آموزان تأکید دارند و این وظیفه را به عهده معلمان می‌دانند. از دیدگاه ایشان، آشنا کردن دانش‌آموزان با این نمادها، اساس شکل‌گیری هویت ملی و تقویت اعتماد به نفس ملی آن‌ها است لذا این تأکید صرفاً توصیه نیست، بلکه نوعی مطالبه‌گری جدی است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۲/۰۲/۱۲). در جهت تقویت هویت ایرانی - اسلامی و افزایش حس تعلق به کشور، ایشان معلمان را موظف می‌دانند که دانش‌آموزان را به فعالیت‌های اجتماعی تقویت‌کننده‌ی هویت همچون جشن‌های نیمه‌ی شعبان، عید غدیر، راهیان نور، راهیان پیشرفت و اردوهای جهادی تشویق کنند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲). از سوی دیگر، آیت‌الله خامنه‌ای بارها خواستار بازنگری در محتوای کتاب‌های درسی و گنجاندن محتوا و معارف هویت‌ساز، پیام‌های انقلاب و آرمان‌های اسلامی در آن‌ها شده‌اند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۲/۰۲/۱۸). از این دیدگاه، ایشان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی را «قلب آموزش و پرورش» معرفی کرده و به‌طور صریح مطالبه می‌کنند که پیام‌ها و معارف انقلاب در متون آموزشی تولید شده گنجانده شود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۰۲/۱۱). در نتیجه، آیت‌الله خامنه‌ای با مطالبه‌گری مستمر، آموزش و پرورش و خصوصاً معلمان را مسئول نهادینه‌سازی هویت ملی - اسلامی در نسل جوان می‌دانند. ایشان بر آشنا کردن دانش‌آموزان با تاریخ، مفاخر علمی و فرهنگی، نمادهای ملی و فعالیت‌های اجتماعی منطبق با هویت ملی و دینی تأکید دارند. بازنگری در کتاب‌های درسی و گنجاندن معارف هویت‌ساز نیز از دیگر مطالبات جدی ایشان در این زمینه است. بدین ترتیب، مطالبه‌گری ایشان در شکل‌دهی و تحکیم هویت ایرانی - اسلامی، محوری و تعیین‌کننده است.

آیت‌الله خامنه‌ای بارها تأکید کرده‌اند که یکی از اهداف اصلی مجموعه‌ی اساتید دانشگاهی کشور، تربیت دانشجویانی است که متدین و معتقد به باورهای ملی باشد (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۵/۰۷/۱۳). ایشان برای استادان، به‌عنوان الگوهای علمی و اخلاقی

جایگاه ویژه‌ای در شکل‌دهی به هویت دانشجویان قائل هستند و از این قشر مطالبه می‌کنند که به وظایف خود در این زمینه عمل کنند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۳/۰۴/۱۱). یکی از نکاتی که ایشان در مطالبه‌گری خود بر آن تأکید می‌کنند ضرورت برانگیختن تعصب ملی در دانشجویان است. ایشان معتقدند که برخلاف برداشت رایج که تعصب را معمولاً نکته‌ای منفی می‌دانند. این نوع تعصب، برای شکل‌گیری شخصیت و هویت انسانی ضروری است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۲/۰۲/۲۲). آیت‌الله خامنه‌ای همچنین بر ضرورت ترویج خودباوری به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های هویت ملی توسط دستگاه‌های مدیریتی، اساتید و دانشگاه‌ها تأکید ویژه دارند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۷/۰۷/۰۳). ایشان علاوه بر اساتید و مدیران دانشگاهی، از نهاد نمایندگی در دانشگاه‌ها نیز مطالبه دارند که در جهت بهره‌برداری از استادان به شکل مؤثر برای تقویت هویت دینی و ملی دانشجویان برنامه‌ریزی کند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۳/۰۴/۱۱)؛ بنابراین آیت‌الله خامنه‌ای با مطالبه‌گری به دنبال نهادینه‌سازی هویت ملی و اسلامی در میان دانشجویان است. ایشان استادان را به‌عنوان الگوهای علمی و اخلاقی، مسئول پرورش امید، ایمان، تعلق ملی و اعتمادبه‌نفس در دانشجویان می‌دانند. برانگیختن تعصب ملی و ترویج خودباوری و اعتمادبه‌نفس ملی از مهم‌ترین محورهای مطالبه از اساتید است. علاوه بر استادان و مدیران، نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها نیز موظف به برنامه‌ریزی برای بهره‌گیری از ظرفیت استادان در تقویت هویت دانشجویان است. به‌این‌ترتیب، مطالبه‌گری آیت‌الله خامنه‌ای دانشگاه را به مرکز تحکیم هویت ملی ایرانیان تبدیل می‌کند.

آیت‌الله خامنه‌ای نسبت به شناخت بیشتر کودکان و جوانان از چهره‌های ورزشی و هنری غربی در مقایسه با مفاخر علمی ایران انتقاد کرده و این مسئله را تهدیدی برای هویت ملی کشور دانسته‌اند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۴۰۱/۰۲/۲۱). علاوه بر این، ایشان نسبت به نفوذ فرهنگ، سبک زندگی و اهداف غربی در نظام آموزشی کشورها هشدار داده و نمونه‌ای از آن را سند ۲۰۳۰ ذکر کرده‌اند و از اجرای بخشی از سند ۲۰۳۰ توسط افراد غافل یا ناباب گلایه کرده‌اند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۹/۰۶/۱۱). یکی دیگر از اقدامات ایشان در مقابله با استعمار فرهنگی غرب در نظام آموزشی، انتقاد به ترجمه‌گرایی و تقلید

صرف از علوم و فلسفه غرب است زیرا معتقدند که تقلید صرف و وابستگی علمی به غرب، پیشرفت حقیقی محسوب نمی‌شود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۵/۰۸/۱۸). لذا آیت‌الله خامنه‌ای با انتقاد به آشنایی بیش از حد نسل جوان با چهره‌های خارجی در مقایسه با مفاخر علمی کشور و با تأکید بر لزوم بازشناسی مفاخر علمی و فرهنگی ایران و هشدار نسبت به تقلید صرف و الگوگیری از فرهنگ غرب، تلاش کرده‌اند با استعمار فرهنگی غرب در نظام آموزشی مقابله کنند. نکته پایانی اینکه، آیت‌الله خامنه‌ای با مطالبه‌گری از نظام آموزشی در بازخوانی تاریخ و مفاخر ملی، معرفی الگوهای علمی و فرهنگی ایرانی و تقویت آگاهی نسبت به دستاوردهای تاریخی و آشنایی با نمادهای ملی و مذهبی حس تعلق و افتخار به هویت ملی را در ذهن دانش‌آموزان و دانشجویان نهادینه می‌کنند. این گفتمان‌سازی نه تنها هویت ملی را تحکیم می‌کند، بلکه مقابله با استعمار فرهنگی را ممکن می‌سازد و فرصت مناسبی برای تربیت نسلی جوان هویت‌گرا فراهم می‌آورد.

۴-۶. گفتمان‌سازی حمایت از تولید ملی، مقابله با فرهنگ مصرف‌برندمحور غربی

و ترویج مصرف‌کالای ایرانی



شکل ۷: گفتمان‌سازی حمایت از تولید ملی، مقابله با فرهنگ مصرف‌برندمحور غربی و ترویج

مصرف‌کالای ایرانی

تولید ملی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای بازتابی از هویت ملی و خودباوری ایرانیان است. ایشان تولید ملی را نمادی از خوداتکایی، استقلال و عزت ملی بر می‌شمرند. بر این اساس، تولید ملی نه تنها نیازهای مردم را تأمین می‌کند؛ بلکه کارکردی هویتی دارد که می‌تواند عزت و اعتماد به نفس ملی را تقویت کند. در ادامه محورهای اصلی «گفتمان‌سازی حمایت از تولید ملی، مقابله با فرهنگ مصرف‌برند محور غربی و ترویج مصرف‌کالای ایرانی» از سوی ایشان تشریح خواهد شد:

آیت‌الله خامنه‌ای مکرر بر این نکته تأکید کرده‌اند که تولید داخلی، نشانه‌ی خودکفایی و عامل ایجاد اعتماد به نفس در ملت است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۹/۰۲/۱۷). ایشان در این زمینه، تولید ملی را به‌عنوان اکسیر معرفی و تأثیرگذار بر ارتقای اعتماد به نفس ملی بیان کرده‌اند (خامنه‌ای، بیانات: ۲۹/۱۲/۱۴۰۰). در نتیجه، تولید ملی و تقویت آن نه تنها یک رویکرد و سیاست اقتصادی، بلکه اکسیر هویتی است که اعتماد به نفس، عزت و خوداتکایی ملی را تقویت می‌کند و آیت‌الله خامنه‌ای، با تأکید و تبیین مستمر این نقش، آن را از یک مسئله اقتصادی صرف به نمادی از خوداتکایی ملی در کشور تبدیل کرده‌اند.

علاوه بر موارد پیشین، آیت‌الله خامنه‌ای همواره تلاش کرده‌اند تا با مطالبه‌گری مستمر، فرهنگ حمایت از تولید ملی و مصرف‌کالای ایرانی را به یک باور عمومی در جامعه تبدیل کنند. ایشان بارها بر ضرورت ایجاد باور عمومی نسبت به اهمیت مصرف محصول داخلی تأکید کرده‌اند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۳/۰۱/۰۱). ایشان همچنین هشدار داده‌اند که مصرف‌کالای خارجی تنها به دلیل برند خارجی بودن، باید جای خود را به اولویت‌دهی به تولید داخلی بدهد و مصرف‌کالای ایرانی را یک وظیفه ملی دانسته‌اند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۳/۱۱/۲۹). در دیدگاه ایشان برای اینکه مصرف‌کالاهای داخلی به یک رفتار رایج و ارزش فرهنگی در جامعه تبدیل شود، باید همه نهادها و خود مردم در این زمینه نقش خود را ایفا کنند تا تولید داخلی ارزش پیدا کند و فرهنگ مصرف آن نهادینه‌سازی شود (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۸/۰۲/۰۹). ایشان برای تحقق این امر، رسانه‌ها و دستگاه‌های تبلیغی را مسئول بخشی از این فرهنگ‌سازی دانسته و بر نیاز به برنامه‌ریزی، نگاه علمی و توجه به ابعاد روان‌شناختی و اجتماعی تأکید دارند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۱/۰۱/۱۵). به

بیان دیگر، آیت‌الله خامنه‌ای با مطالبه‌گری مستمر، زمینه را برای نهادینه شدن حمایت از تولید ملی و استفاده از کالای ایرانی فراهم کرده و آن را به یک وظیفه همگانی و جهت‌گیری هویتی تبدیل می‌کند.

آیت‌الله خامنه‌ای بارها نسبت به گرایش جامعه به برندهای خارجی هشدار داده‌اند. در دیدگاه ایشان، این نوع گرایش صرفاً یک انتخاب اقتصادی نیست، بلکه آسیبی فرهنگی و اجتماعی است (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۱/۰۷/۲۲)، (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۰/۰۲/۰۷). آیت‌الله خامنه‌ای یکی از آسیب‌های جدی تولید و مصرف در ایران را استفاده از نشانه‌های خارجی برای کالاهای داخلی می‌داند. ایشان این کار را نوعی خودکم‌بینی می‌دانند و به این رویکرد انتقاد جدی دارند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۸/۰۸/۲۸). ایشان این دل‌بستگی به برندهای خارجی را میراث دوران طاغوت می‌دانند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۹۰/۰۲/۰۷) و یادآوری می‌کنند که سال‌ها به ملت ایران القا شده است که کالای خارجی بهتر و مرغوب‌تر است و تغییر این فرهنگ را ضروری می‌دانند (خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۸/۰۲/۰۹). بنابراین آیت‌الله خامنه‌ای با نشان دادن آسیب‌های فرهنگی برندگرایی و طرح نگاه انتقادی نسبت به گرایش جامعه به برندهای خارجی با فرهنگ مصرف‌محور غربی مقابله کرده و با کاهش دل‌بستگی به کالاهای خارجی، هویت ملی ایرانیان را تحکیم و استقلال فرهنگی کشور را تقویت می‌کنند.

نکته پایانی اینکه، آیت‌الله خامنه‌ای با گفتمان‌سازی و مطالبه‌گری مستمر در زمینه ضرورت مصرف کالای داخلی، هشدار نسبت به پیامدهای برندگرایی و تأکید بر ضرورت خودباوری تلاش کرده‌اند هویت ملی ایرانیان را در برابر نفوذ فرهنگ مصرف‌گرای غربی حفظ و تقویت کنند. تأکید مداوم ایشان بر حمایت از تولید ملی، نه تنها به استقلال اقتصادی کشور کمک کرده بلکه اعتمادبه‌نفس و عزت ملی را تقویت کرده و هویت ملی ایرانیان را در برابر حمله‌های استعمار فرهنگی غرب مستحکم ساخته است.



شکل ۸: تحلیل گفتمان‌سازی‌های آیت‌الله خامنه‌ای برای تحکیم هویت ملی ایرانیان در مقابله با استعمار فرهنگی غرب

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی به تحلیل «گفتمان‌سازی‌های آیت‌الله خامنه‌ای برای تحکیم هویت ملی ایرانیان در مقابله با استعمار فرهنگی غرب» پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گفتمان‌سازی‌های آیت‌الله خامنه‌ای فقط در سطح تبیین و پاسداری از عناصر و مؤلفه‌های هویت ملی محدود نمی‌شود بلکه در سطح عمل و تحقق نیز ایشان در قالب اقداماتی مانند ادبیات‌سازی حول ابعاد مختلف موضوع، مطالبه‌گری، سیاست‌گذاری و نهادسازی نیز این راهبرد را پیگیری کرده‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر نقش آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، نخبگان، رسانه‌ها و نهادهای دولتی، تلاش کرده‌اند عناصر هویت ملی را به عرصه‌های گوناگون فرهنگی،

اقتصادی، اجتماعی و سیاسی وارد سازند و موجب تحکیم و تقویت این مؤلفه‌های در جامعه ایران شوند. در واقع ایشان با ادبیات‌سازی مستمر حول این موضوع، مطالبه‌گری از افراد و نهادهای مسئول و فعال‌سازی نخبگان و رسانه‌ها، گفتمان‌سازی برای تحکیم و تقویت هویت ملی در جامعه ایران را به شکل جدی دنبال کرده و محقق نموده‌اند.

نتایج تحلیل‌ها نشان می‌دهد که گفتمان‌سازی‌های ایشان بر شش عرصه اصلی استوار است که هر یک به تحکیم هویت ملی ایرانیان و مقابله با استعمار فرهنگی غرب می‌پردازد:

۱. تقویت و مرجعیت زبان فارسی و پاسداری از آن به عنوان سرمایه فرهنگی ملی در مقابل نفوذ زبان‌های بیگانه:

زبان فارسی مهم‌ترین شاخصه هویت فرهنگی ملت است. ایشان با هشدار نسبت به هجوم واژگان بیگانه و تأکید بر واژه‌سازی و مرجعیت علمی زبان فارسی، از این سرمایه فرهنگی ملی در برابر نفوذ بیگانه پاسداری می‌کنند.

۲. بازخوانی هویت تاریخی ملت ایران، مطالبه ثبت و انتقال میراث تاریخی کشور به نسل جوان و مقابله با تحریف تاریخ ایران از سوی دشمن:

ایشان با یادآوری وقایع مهم تاریخی و معرفی شخصیت‌های الگوی هویت‌بخش و تأکید بر حفظ میراث تاریخی و انتقال آن به نسل جوان، احساس افتخار و پیوند با تاریخ را در جامعه تقویت می‌کنند و با تأکید بر مطالعه تاریخ و آگاهی‌بخشی به جوانان با تحریف دشمن مقابله می‌کنند.

۳. تقویت اعتماد به نفس ملی و روحیه‌ی ما می‌توانیم و مقابله با تزریق خودکم‌بینی توسط غرب استعماری:

ایشان با بیان دستاوردهای انقلاب، تأکید بر استفاده از ظرفیت‌های داخلی و مقابله با القای حس ناتوانی که توسط استعمارگران تزریق شده، اعتماد به نفس و خودباوری ملی را در جامعه تقویت کرده و این موضوع بخشی از راهبرد گفتمان‌سازی ایشان برای تحکیم هویت ملی است.

۴. حمایت از تولید ملی، مقابله با فرهنگ مصرف‌برندمحور غربی و ترویج مصرف

کالای ایرانی:

ایشان با معرفی تولید ملی به‌عنوان نماد خوداتکایی و عزت ملی و ترویج تولید داخلی و مقابله با فرهنگ مصرف‌گرای غربی، زمینه تحکیم هویت ملی فراهم می‌کنند.

۵. پیشرفت بومی بر مبنای الگوی اسلامی - ایرانی و مقابله با الگوی توسعه غربی:

ایشان حفظ هویت ملی را شرط تحقق پیشرفت حقیقی می‌دانند و بر لزوم تدوین و عملیاتی‌سازی الگوی پیشرفت بومی مبتنی بر فرهنگ و جهان‌بینی اسلامی تأکید می‌کنند. در نقطه مقابل، نسبت به رویکردها، مفاهیم و نتایج الگوی توسعه غربی که به بی‌هویتی و وابستگی فرهنگی منجر می‌شود، نگاه انتقادی جدی داشته و دارند.

۶. گفتمان‌سازی تربیت و آموزش نسل جوان هویت‌گرا و مقابله با نفوذ فرهنگی

غرب در تعلیم و تربیت کشور:

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای نظام آموزشی از مدرسه تا دانشگاه، نقشی محوری در شکل‌گیری هویت نسل جوان دارد. مطالبه نهادینه‌سازی هویت ملی - اسلامی در دانش‌آموزان و دانشجویان، تأکید بر نقش معلمان و اساتید و مقابله با الگوهای وارداتی مانند سند ۲۰۳۰، از جمله اقدامات گفتمان‌ساز ایشان در این عرصه است.

درحالی‌که اغلب پژوهش‌های پیشین صرفاً بر جنبه‌های نظری و مفاهیم هویت ملی و استعمار فرهنگی غرب از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای تأکید داشته‌اند، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که آیت‌الله خامنه‌ای علاوه بر تبیین مفاهیم نظری در بحث هویت ملی، نوعی گفتمان‌سازی‌های در این زمینه به منظور تحقق و عملیاتی شدن رویکرد هویت‌گرا در عرصه‌ی راهبری حکومت و جامعه‌سازی اسلامی را در ایران بعد از انقلاب اسلامی دنبال و اجرا کرده‌اند. به‌طوری‌که این گفتمان‌سازی‌ها می‌تواند به‌عنوان الگوی راهبردی تحکیم هویت ملی ایرانیان و مقابله با استعمار فرهنگی غرب مورد استفاده سیاست‌گذاران، نخبگان، پژوهشگران و فعالان سیاسی و فرهنگی قرار گیرد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه کرد:

الف) پیشنهادهای پژوهشی

- بررسی نقش تقویت روحیه «ما می‌توانیم» توسط آیت‌الله خامنه‌ای در پیشرفت‌های ملی
- بررسی تأثیر زنده نگه‌داشتن «ایام‌الله» و نقش آن در هویت‌سازی
- بررسی نقش ورزش قهرمانی در تقویت اعتمادبه‌نفس ملی
- بررسی نقش کنگره شهدا در تقویت هویت ملی
- ارزیابی محتوای کتاب‌های درسی بر اساس عناصر و مؤلفه‌های هویت ایرانی - اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای
- بررسی نقش زنان در تحکیم هویت ملی و انتقال ارزش‌ها به نسل آینده
- تحلیل نقش اقتصاد مقاومتی در مقابله با استعمار فرهنگی غرب
- بررسی نقش توصیه‌های آیت‌الله خامنه‌ای به شاعران در انتقال گفتمان هویت ملی

ب) پیشنهادهای کاربردی

- تولید آثار هنری (فیلم، پویانمایی و داستان و...)، بازی‌های رایانه‌ای با محوریت رویدادهایی تاریخی و شخصیت‌های هویت‌بخش
- بازنگری در محتوای کتاب‌های درسی با محوریت عناصر و مؤلفه‌های هویت ایرانی - اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای
- معرفی و تبیین دستاوردهای انقلاب اسلامی در رسانه‌ها و کتاب‌های درسی مقاطع مختلف تحصیلی
- آموزش و توانمندسازی معلمان و اساتید برای انتقال عناصر و مؤلفه‌های هویت ایرانی - اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

فهرست منابع:

- ادوارد، سعید. (۱۳۸۳). فرهنگ و امپریالیسم، افسری، اکبر، تهران: مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.
- ارجینی، حسین و صادق‌زاده، محمدعلی. (۱۴۰۰). نقش رهبری نظام در کارآمدی دیپلماسی عمومی از طریق گفتمان‌سازی. پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، ۱۱ (۳۹)، ۷۰-۵۳.
- ارجینی، حسین. (۱۳۸۹). استعمار فرانسه؛ با نگاهی به بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، نشریه معرفت، سال نوزدهم شماره ۳، ۱۷.
- استراوس، آنسلم و کوربین جولیت. (۱۳۸۵). اصول روش تحقیق کیفی نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها، بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. چ ۲.
- بهروزی لک، غلامرضا و کفیلی، رضا. (۱۴۰۳). الگوی گفتمان‌سازی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، علوم سیاسی ۲۷ (۲)، ۱۰۸-۶۴.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۵). نظریه گفتمان و مطالعات اسلامی علوم سیاسی، شماره ۳۵، ۲۶۲.
- تبریزی، منصوره. (۱۳۹۳). تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی، فصلنامه علوم اجتماعی، (۶۴)، ۱۳۸-۱۰۵.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸-۱۴۰۴). بیانات از سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۴۰۴.
- خانجانی، قاسم. (۱۳۹۸). راه‌های مقابله با نفوذ فکری و فرهنگی در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی). فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، (۱)۹، ۳۰-۱.
- رهبر، عباسعلی و نادری، حسین. (۱۴۰۳). انقلاب اسلامی و تحول در هویت ملی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی، ۸ (۸)، ۹۱-۵۷.
- زاهد زاهدانی، سید سعید. (۱۴۰۲). هویت ملی ایرانی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی ۱ (۴)، ۳۴-۱.

- زرگر، علیرضا، اقبال، حدیث و شمولى، همت الله. (۱۳۹۹). نفوذ فرهنگى در جمهورى اسلامى ايران، چالش‌ها و راهکارهاى مقابله با آن از دیدگاه مقام معظم رهبرى (۱۳۶۸-۱۳۹۷)، ۶ (۴)، ۵۵-۴۱.
- سيد امامى، کاووس. (۱۳۸۶). پژوهش در علوم سياسى؛ رویکردهاى اثبات‌گرا، تفسیرى و انتقادى، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- علیزاده اقدم، محمداقبر؛ ولايتى، سمیه و اختیاری، مینا. (۱۳۸۶). تطبیق هویت ملی و دینی دانش‌آموزان و عوامل تأثیرگذار بر آن (مطالعه موردی دانش‌آموزان ناحیه ۴ تبریز) مجله پژوهشى علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ۲۳ (۲)، ۸۴-۶۷.
- غفارى، مصطفى. (۱۳۹۵). از نیمه‌ی خرداد: طرحی از اندیشه و رهبرى آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی). تهران: انتشارات انقلاب اسلامى.
- فردانش، هاشم. (۱۳۸۷). طبقه‌بندی الگوهاى طراحی سازنده گرا بر اساس رویکردهاى یادگیرى و تدریس. فصلنامه مطالعات تربیتى و روان‌شناسى دانشگاه فردوسى مشهد، ۹ (۲): ۲۱-۵.
- مرتضایى فریزه‌ندى، کبرى و ادریسی، افسانه. (۱۳۹۳). هویت‌یابی ملی در فضای رسانه‌ای. فصلنامه مطالعات ملی، ۱۵ (۵۸)، ۹۴-۷۵.
- مک دائل، دایان (۱۳۸۰). مقدمه بر نظریه‌هاى گفتمان تهران: فرهنگ گفتمان.
- مهربابى، امیرحمزه، حنیفر، حسین، امیرى، على نقى، زارعى متین، حسن و جندقى، غلامرضا. (۱۳۹۰). معرفی روش‌شناسى نظریه داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامى (ارائه یک نمونه). مدیریت فرهنگ سازمانى، ۹ (۲۳)، ۳۰-۵.
- موسوى، سيد صدرالدین، قمریان، ناهید و خادمى، مهرانوش. (۱۴۰۱). واکاوى گفتمان هویت ملی در منظومه فکرى رهبرى. پژوهش‌نامه انقلاب اسلامى، ۱۲ (۴۲)، ۸۲-۶۷.
- مؤمنى‌راد، اکبر؛ على آبادى، خدیجه؛ فردانش، هاشم و مزینى، ناصر (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج، فصلنامه اندازه‌گیرى تربیتى، ۴ (۱۴)، ۲۲۲-۱۸۷.
- یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس. (۱۳۹۶). تحلیل گفتمان تهران: نى.